

تجربه‌های زیسته و ادراک‌شده‌ی دانشجویان

مطالعه موردی یک دانشگاه ایرانی^۱

مفهوم فراستخواه^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۲۵

چکیده

در چند دهه‌ی اخیر ایدئولوژی بازار باکلان روندهایی مثل کالایی شدن، تجاری‌سازی و کارافرینی بر آموزش عالی سایه‌انداز شده است و رسالت‌های انتقادی دانشگاه‌ها را به حاشیه می‌راند. دانشجو تا حد یک مشتری تقلیل می‌یابد. مدتی است که تصویر دانشجویان از دانشگاه نیز تحت تأثیر این قضایا قرار می‌گیرد. تحقیق حاضر باهدف بررسی ادراک زیسته شده و تجربه‌شده‌ی دانشجو از یک دانشگاه باسابقه، بزرگ و دولتی در تهران و به روش کیفی صورت پذیرفته است. پدیدارشناسی کمک می‌کند با معانی موجود در ذهن دانشجویان از بودن خودشان در دانشگاه تماس نزدیکتری داشته باشیم. با تعداد ۲۵ دانشجو به صورت هدفمند و در حد اشباع داده‌ها مصاحبه عمیق اکتشافی انجام گرفت. مقولات به روش «تحلیل مضمون» با اقتباس از استرابت و کارپتر استخراج شد. حدود ۷۰ درصد اظهارات، تجربه منفی مشارکت‌کنندگان تحقیق از دانشگاه را بازتاب می‌دهد. نتیجه تحقیق، توصیفی سیستماتیک از ادراک زیسته شده‌ی دانشجو درباره‌ی دانشگاه ایرانی است و نشان می‌دهد تصویر اجتماعی دانشگاه در دل و دیده‌ی دانشجویان مخدوش و مناقشه‌آمیز شده است. دانشجویان مشارکت‌کننده در تحقیق به دانشگاه آمده‌اند اما نه فقط با اذهان بلکه با بدن‌ها و انواع نیازها و

^۱. مقاله حاضر نتیجه طرح پژوهشی دکتر مقصود فراستخواه با عنوان؛ فهم معنای پدیدار شناختی کیفیت دانشگاه ایرانی در ذهن دانشجویان.

^۲. دانشیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

احساس‌ها و شور و شوق زندگی و بازی و شادی و هویت و مشارکت و تشکیل اجتماعات و سایر آمال و آرزوهایشان. دانشگاه را نه صرفاً برای تحصیل بلکه به‌مثابه یک کلوپ اجتماعی نیز می‌خواهند. این انتظاری است که گویا کمتر برآورده می‌شود. انواع گرفتاری‌های مدیریتی و مالی و سیاسی مانع از این می‌شود که دانشگاه ایرانی موردمطالعه ما در پرورش دانشجویان توفیق لازم به دست بیاورد. حس تبعیض در این مطالعه به‌وضوح در دانشجویان دیده می‌شود. به نظر می‌رسد فرهنگ شفاهی و چهره به چهره و عاطفی برای دانشجوی ایرانی همچنان مهم است. فضای دانشجویی ایران بر حسب نتایج این مورد کاوی، در حال عبور از دوره‌ی نخبه‌گرایی آکادمیک و حس استاد و شاگردی به معنای سنتی کلمه است. مقررات خشک حداثتی و روال‌های بوروکراتیک دانشگاه در ادراک زیسته دانشجویان، بازتاب بسیار ناراحت‌کننده داشته است. مشارکت‌کنندگان در تحقیق از بیشتر درس‌های عمومی زده شده‌اند.

کلیدواژه‌ها:

معنای دانشگاه، ادراک دانشجو، تجربه‌ی زیسته، پدیدارشناسی، مدلی برای تبیین، ابزار پیمایش

مقدمه

روندهای در طی چند دهه‌ی گذشته در آموزش عالی و کاروبار دانشگاه‌ها جریان داشت. یکی از این روندها انبوه شدن آموزش عالی بود که در مقایسه با آموزش عالی نخبه پرور قبلی، چرخش مهمی به شمار می‌آمد. جمعیت دانشجویی و تعداد و تنوع مؤسسات آموزش عالی روز به روز بیشتر می‌شد. همچنین محدودیت‌های منابع عمومی و دولتی سبب می‌گشت وسوسه‌ی کسب درآمد و نوعی قواعد بنگاهداری در مدیریت‌های دانشگاه فراغیر بشود. ایدئولوژی بازار و نیز رویکردهای همچون عملگرایی و منفعتگرایی در چنین شرایطی میدان می‌یافتد. کالایی شدن آموزش عالی و تجاری‌سازی و کارآفرینی از جمله‌ی گرایش‌های مطرح در طی این کلان‌روندها بود. در چنین شرایطی تولید و فروش دانش و فناوری چنان اهمیتی به خود می‌گرفت که چه‌بسا گاهی رسالت‌های آموزشی دانشگاه‌ها در حاشیه قرار می‌گرفت. دانشجو نیز یکی از مشتریان به حساب می‌آمد. این روندها هرچند اختصاص به ایران ندارند و عالم‌گیر هستند اما به نظر می‌رسد در ایران طی یکی دو دهه‌ی اخیر با ابعاد بغرنج‌تر و به شکل احیاناً مبتدل‌تری ظاهر می‌شوند. درنتیجه رفتارهای شاهد به محقق رفتن درک یوتوپیک دانشجویان از تحصیلات دانشگاهی هستیم. آیا آن‌ها همان درک را از آمدن به دانشگاه و درس خواندن دارند که ما در نسل‌های قبل دانشجویی داشتیم؟ رفتار تحصیلی و نتایجی که دانشجویان از بودن دانشگاه به دست خواهد آورند و آن را به جامعه خواهند برد همه بشدت تحت تأثیر تصویری است که آن‌ها از دانشگاه دارند.

تحقیق حاضر باهدف بررسی ادراک زیسته شده و تجربه‌شده دانشجو از یک دانشگاه باسابقه، بزرگ و دولتی در تهران با و به روش کیفی انجام گرفته است. بر پایه حساسیت‌های نظری برآمده از متون و منابع درباره‌ی عملکرد دانشگاه (یمنی، ۱۳۸۰، فراستخواه، ۱۳۸۷؛ بیرن باوم، ترجمه ۱۳۸۲) با چارچوب نمونه هدفمندی از دانشجویان مصاحبه عمیق اکتشافی صورت گرفته است. سرمشق تحقیق از نوع پدیدار شناسی انتخاب شده است (Langridge, 2007؛ Streubert and Carpenter, 2011؛ Aspers, 2009).

پیشینه تحقیقات و پس‌زمینه‌ی نظری تحقیق

چرا توجه پدیدار شناختی به ادراک دانشجو مهم است؟ عنصر اصلی تأکید در پدیدارشناسی از ادموند هوسرل تا مارلوپونتی و ماکس شلر بر نزدیک شدن به خود امور و دعوت به‌سوی خود اشیا و به‌سوی خود آدم‌ها و به خود جهان است (هوسرل، ترجمه ۱۳۷۳؛ دارتیگ،

ترجمه ۱۳۷۲). برای این کار لازم است احکام ذهنی خود را تا می‌توانیم به تعویق اندازیم و با معانی موجود در ذهن مردمان تماس نزدیکتری داشته باشیم. این سنت فکری به علوم اجتماعی کمک کرده است تا به معانی که مردمان از جهان زندگی خویش می‌سازند تأکید بشود. نمونه‌اش را به شکل‌های مختلف در ویر، آلفرد شوتس^۱ و لوکمان و برگر می‌بینیم (لوگمان و برگر، ترجمه ۱۳۷۵). هابرماس در برابر سیستم به «زیست جهان» توجه می‌دهد (هابرمان، ترجمه ۱۳۸۴). براین مبناست که نیاز به مطالعه معانی دانشگاه در ادراک زیسته دانشجو داریم. برخی تحقیقات در این زمینه بر تصویری از دانشگاه که دانشجو به دست می‌آورد^۲ متمرکز شده‌اند. برخی دیگر تحت عنوان ادراک دانشجو^۳، این موضوع را دنبال کرده‌اند و بعضی نیز تأکید بر تجربه‌ی زیسته دانشجو از دانشگاه داشتند. از باسابقه‌ترین تحقیقات بر روی تصویر دانشجویان از دانشگاه، تحقیق «موری» است. پژوهش او نشان داد که این تصویر ذهنی بر روی انتخاب‌ها و عملکرد دانشجویان اثر می‌گذارد و حسب سال‌ها و رشته‌های دانشجویان تفاوت‌هایی دارد (Morey, 1971). آرپان و همکاران دریافتند که مهم‌ترین چیزهایی که تصویر دانشگاه را در ذهن دانشجو تداعی می‌کند تداعی‌های حاصل از عملکرد علمی، ابعاد ورزشی و انعکاس خبری دانشگاه است (Arpan, et al, 2003: 97-113). ادراک دانشجویان آمریکایی و چینی از آموزش عالی مقایسه شده است (Xu, 2011: 1-10). تحقیق لیزیو، ویلسون و سایمونز حاکی از آن بود که ادراک دانشجو هردوی ابعاد سخت و نرم کیفیت دانشگاه یعنی سخت مثل عملکرد آموزشی و پژوهشی و نرم مثل رضایت را پیش‌بینی بکند (Lizzio, Wilson & Simons, 2002: 27-52).

دانشگاه اومنو سوئد در سال تحصیلی ۲۰۱۰-۲۰۱۱ با موضوع ادراک دانشجو و تغییرات آموزشی به این نتیجه رسید که مهم‌ترین مؤلفه‌های این ادراک، درک آن‌ها از تعلیم و تربیت، مسؤولیت، مشارکت و رضایت است (Furberg, 2011). بررسی دیگری نشان داد که ادراک دانشجو از فلسفه و نحوه و معنای ارزیابی و امتحان در دانشگاه بر رفتار تحصیلی آن‌ها تأثیر می‌نهد (Struyven, Dochy and Janssens, 2005: 331-347).

رامزدن در کتاب خود با عنوان «آموختن اینکه چطور در آموزش عالی یاد بدهیم» می‌گوید: «تا تجربه‌ی

¹A. Schutz² Image of university by student³ Student perception of university

تحصیلی دانشجویان خود را ادراک نکنید معلم خوبی نمی‌شوید»^۱ (Ramsden, 2004: xii). در تحقیقات به دلایلی که دانشجویان در ذهن برای رفتارهای خوددارند توجه شده است. (Annamalai & Muniandy, 2013)

در ایران تحقیقی با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان تولید و مصرف نوشтар در بین دانشجویان انجام گرفته است (محمدی، ۱۳۹۳).

طی مطالعه‌ای درباره‌ی دانشگاه فردوسی مشهد (سروش، ۱۳۹۳) به دست آمده است که دانشجو باعلاقه به تحصیل و امید به آینده‌ای بهتر بعالوهی حسب عوامل خانوادگی و اقتصادی رهسپار دانشگاه می‌شود. کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان خارجی دانشگاه شهید بهشتی که در سال ۹۱-۹۲ جمعاً ۱۱۶ نفر بودند بررسی شده است. نتیجه این بود که کیفیت زندگی مطلوبی ندارند (شمس و معارف وند، ۱۳۹۳). فراستخواه (۱۳۹۲) هشت دوره زندگی دانشجویی در ایران را بررسی کرده است. کانون توجه این بررسی، آن بود که در هر دوره، کدام قشر به دانشگاه دسترسی داشت؟ پارادایم غالب بر حیات دانشجویی چه بود؟ آن‌ها چه نوع یوتوبیاهايی داشتند؟ چه مفاهيمی بر زندگی دانشجویی نفوذ داشت؟ مسئله‌ها چه بودند؟ هویت‌های مطرح کدام بودند؟ والگوهای «خود بیانگری» دانشجویان چگونه بود؟

یافته‌ها

برمبانی حساسیت نظری به دست آمده از مرور متون و منابع و پس‌زمینه‌ی نظری (یمنی، ۱۳۸۰، فراستخواه، ۱۳۸۷، بیرون باوم، ترجمه، ۱۳۸۲)، محقق به بررسی پدیدار شناختی موضوع تحقیق خود مبادرت کرده است. با تعداد ۲۵ دانشجو مصاحبه عمیق اکتشافی انجام گرفت. چارچوب نمونه به صورت هدفمند از کسانی انتخاب شد که اطمینان حاصل کنیم هیچ‌گونه ملاحظات و محدودیت‌هایی برای مصاحبه نداشته باشند، با اعتماد کافی علاقه مندانه در این تحقیق شرکت کنند و تجارب و ادراکات خود را راحت و صمیمانه و بدون خودسنسوری یا نقش بازی در میان بگذارند. شرکت و همکاری یکی از دانشجویان نویسنده در بخش اجرای مصاحبه‌های تحقیق به فضای دوستانه و خودمانی مصاحبه‌ها کمک بسزایی کرد. هدف از تحقیق و به دور بودن و برکنار بودن آن از هر نوع جانبداری یا سوگیری آگاهانه و سیستماتیک درباره‌ی دانشگاه خاص یا ارزش داوری‌های پیشین خاص درباره‌ی دانشگاه و

^۱ to become a good teacher, first you must understand your students' experiences of learning

آموزش عالی با مصاحبه‌شوندگان در میان گذاشته شده است. کوشش زیادی مصروف ایجاد فضایی شده است که قصد ما فهم پدیدارشناسانه از درک زیسته شده و تجربه‌شده‌ی دانشجویان درباره‌ی دانشگاه ایرانی است و دانشگاه آن‌ها تنها به عنوان یک موردمطالعه انتخاب شده است. به مشارکت کنندگان در تحقیق توضیح کافی داده شد و توجیه لازم انجام شد که تعهدات اخلاقی تحقیق حاضر اکیداً براین قرار گرفته است تا اطلاعات و شواهد به دست آمده و متن تحریر شده‌ی مصاحبه‌ها صرفاً مورد استنباط و تجزیه و تحلیل علمی واقع خواهد شد و هدف بهروشی گسترش و تعمیق شناخت علمی در حیطه مطالعات تخصصی آموزش عالی ایران است و در این تحقیق بخصوص تمرکز و تأکید بر درک دانشجویان درباره‌ی دانشگاه ایرانی است. طرح این شرایط و توضیحات با دانشجویان به‌طور کامل طی می‌شد و درصورتی که کوچکترین تردیدی احساس می‌شد، بی‌درنگ فرد موردنظر از هدف مطالعه کنار گذاشته می‌شد و سراغ فرد دیگری گرفته می‌شد. بدین ترتیب نمونه هدفمندی با رعایت نوع حوزه‌های رشته‌ای، دوره‌های تحصیلی، جنس، بومی و غیربومی بودن، اقامت یا عدم اقامت در خوابگاه و سایر مشخصات ظاهری مربوط به قشربندی اجتماعی، سبک زندگی و تیپ مذهبی یا غیرمذهبی و مانند آن برای انجام مصاحبه نهایی می‌شد. با تعداد ۲۵ نفر چارچوب نمونه بر مبنای اشباع داده‌ها مصاحبه شد. در جریان مصاحبه‌های ۱۶ به بعد پاسخ‌های دانشجویان تکراری می‌نمود و موضوع تازه و ناگفته یا ناآشنا نیز از آن برنمی‌آمد. با رعایت احتیاط‌های لازم تا ۲۵ مصاحبه ادامه داده شد (جدول ۱).

جدول ۱. جدول فهرست مصاحبه‌ها و تعداد گزاره‌های به دست آمده از آن‌ها

ردیف	حوزه رشته‌ای	دوره	جنس	تعداد گزاره‌ها	تجربه زیسته و ادراک شده	منفی	ثبت
۱	حقوق	فوق‌لیسانس	پسر	۲۰	۵	۱۵	
۲	حقوق	لیسانس	پسر	۲۰	۳	۱۷	
۳	علوم تربیتی	فوق‌لیسانس	پسر	۱۴	۷	۶	
۴	علوم تربیتی	دکتری	پسر	۱۹	۳	۱۳	
۵	علوم زیستی	فوق‌لیسانس	پسر	۲۳	۴	۱۹	
۶	علوم زیستی	فوق‌لیسانس	پسر	۱۹	۲	۱۷	
۷	علوم ریاضی	فوق‌لیسانس	دختر	۱۰	۱	۹	

۹	۴	۱۳	دختر	فوق لیسانس	علوم کامپیوتر	۸
۹	۴	۱۳	دختر	فوق لیسانس	ادبیات و علوم انسانی	۹
۱۱	۱	۱۲	دختر	فوق لیسانس	علوم محیطی	۱۰
۸	۶	۱۵	دختر	فوق لیسانس	علوم محیطی	۱۱
۸	۶	۱۴	دختر	فوق لیسانس	علوم ریاضی	۱۲
۲	۱۰	۱۲	دختر	لیسانس	شیمی	۱۳
۱۴	۰	۱۵	دختر	دکتری	شیمی	۱۴
۹	۶	۱۵	دختر	فوق لیسانس	معماری و شهرسازی	۱۵
۴	۱۲	۱۶	پسر	لیسانس	تربیت بدنی	۱۶
۱۷۲	۷۸	۲۵۰				
۶۹)	۳۱)					
درصد)	(درصد)					
اشیاع داده‌ها			دختر	لیسانس	علوم زمین	۱۷
			دختر	لیسانس	مدیریت و حسابداری	۱۸
			پسر	لیسانس	ادبیات و علوم انسانی	۱۹
			پسر	فوق لیسانس (تاجیکستان)	علوم اقتصادی و علوم سیاسی	۲۰
			پسر	فوق لیسانس	علوم ریاضی	۲۱
			پسر	فوق لیسانس	علوم اقتصاد و علوم سیاسی	۲۲
			پسر	فوق لیسانس (سوریه)	حقوق	۲۳
			دختر	فوق لیسانس	علوم زیستی	۲۴
			پسر	فوق لیسانس	مدیریت و حسابداری	۲۵

پس از انجام مصاحبه‌های عمیق و فعال و اکتشافی، متن آن‌ها تحریر و مهم‌ترین گزاره‌ها با روش «تحلیل مضمون» استخراج می‌شد. ابزار تحلیل مضمون با اقتباس از استرابرت و کارپتر (Streubert, & Carpenter, 2011) انتخاب شده بود و از طریق آن کار کدگذاری و مقوله‌ای کردن صورت گرفت. همان‌طور که در جدول‌های بعدی ملاحظه می‌شود ابتدا اصلی‌ترین گزاره‌های هر یک از مصاحبه‌ها با رویکرد پدیدار شناختی فراهم آمده از جریان مصاحبه حضوری مبنای تحلیل بعدی قرار گرفت (ستون اول جدول). قبل از هر چیز ارتباط

هر گزاره با سؤالات تحقیق در مدنظر واقع شد (ستون دوم). مضمون/های موجود در دل هر گزاره در ستون سوم و مقوله‌های استنباط شده در باب وجوده پدیدار شناختی دانشگاه برنبای ادراک زیسته دانشجو در ستون آخر درج شد. در جدول «۲» تحلیل مضمون یکی از مصاحبه‌ها نشان داده شده است:

جدول ۲. تحلیل مضمون مصاحبه

۱. «م.م.» مرد، فوق لیسانس، حقوق، غیربومی و ساكن خوابگاه			
مقوله‌های استنباط شده در باب وجوده پدیدار شناختی کیفیت دانشگاه در ادراک زیسته دانشجو	مضمون/ها	ارتباط با سؤالات و سازندهای دوازده‌گانه در طرح تحقیق	گزاره‌های مصاحبه‌ها
دانشگاهی که سیاست زده نیست	فرهنگ دانشگاهی و سیاست	۳	۱. البته شاید به یکجهت این حسن دانشگاه ماست که کمتر سیاسی است
رقابت گرایی احساس سرآمدی در بین دانشگاهها	فرهنگ رشته‌های دانشجویان	۱۱	۲. بچه‌های حقوق دانشگاه می‌نارند که ما بهترین‌های حقوق در کشور هستیم
جرگه گرایی	فرهنگ سازمانی اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه	۶ و ۳	۳. باندیازی و این مسائل هست
بده بستان مدیران با گروه‌های فشار و ذی نفوذ	ارتباط با دانشجو و حل مشکلات او	۲	۴. گاهی می‌بینیم کسانی در رأس مدیریت‌های دانشگاهی قرار می‌گیرند که به جای برقراری ارتباط با دانشجو و حل مشکلات دانشجو، بیشتر در بده بستان با گروه‌های فشار و ذی نفوذ هست

فقدان جنب و جوش در زندگی دانشجویی	تک بعدی شدن گذراندن واحدها و درس خواندن فشربندی دانشجویی	۱۰	۵. دانشگاه ما از قدیم‌الایام معروف به دانشگاه بچه پولدارها و قشرهای خاص بود. در این دانشگاه دانشجویانی هستند که معمولاً بین دانشگاه‌های دولتی وضع مالی خانواده هاشون بهتر است. مابقی هم بقیه اهل جنب و جوش نیستند
تبیيض و بی‌عدالتی در توجه استادان به دانشجویان	ارتباط استاد با دانشجو	۲	۶. استادان تا حدودی به دانشجویانی که در دوره لیسانس نیز در این دانشگاه بودند توجه بیشتر نشان می‌دهند و یک نوع تبعیض به وجود می‌آید
فقدان پویایی و کیفیت خدمات کتابخانه‌ای و اطلاعات علمی	فضای کالبدی کمک‌آموزشی کتابخانه	۷	۷. کتابخانه دانشکده با ۲۰ تا ۳۰ نفر پر می‌شود جایی برای مطالعه نیست حتی کتابخانه مرکزی دانشگاه نیز فضای کوچکی دارد. در کتابخانه دانشگاه، من اصلاً پویایی نمی‌بینم
فقدان سطح پیشرفته‌ای از مجلات علمی خصوصاً به صورت قابل دسترسی به صورت بر خط	زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات	۷	۸. مجله‌های دانشگاهی ما پیشرفته نیست مجله دانشکده حقوق قابل دسترسی اینترنتی نیست
فقدان تفکر برنامه‌ریزی استراتژیک	برنامه‌ریزی دانشگاهی	۴	۹. در دانشگاه‌های ایران چشم‌انداز، برنامه و راهبردی وجود ندارد.
فقدان آینده‌اندیشی و	روزمرگی و عمل	۳	۱۰. تجربه‌ای که خودم از دو

پویایی و نوآوری	زدگی در مدیریت	۴	دانشگاه بزرگ دولتی و باسابقه در تهران داشتم نشوون میده این دانشگاهها دست و پا برای گذر زمان می زند همین که سال بگذرد و تعطیلی فراپرسد بودجه دولتی خود را هزینه بکنند و حداقلی از کارها را به اتمام برسانند
پیچ و خم‌های اداری	ارتباط دانشجویان با مدیریت	۲	۱۱. اگر بخواهی رئیس دانشگاه را ببینیش باید از درب ۲۰۰ فیلتر عبور کنی تا بررسی
مدیران پشت درهای بسته	سبک‌های رهبری	۲	۱۲. رئیس دانشگاه پشت درب‌های بسته مدیریت می‌کند
سطح علمی و بهروز بودن استادان	کیفیت کلاس‌های درس	۵	۱۳. برخی از اساتید به روز هستند، اساتیدی پیدا می‌شوند که مسائل روز را مطرح می‌کنند
پیشرفت فعالیت‌های تیمی در میان استادان و با دانشجویان	کارتیمی تیم سازی در گروه‌ها	۱۰	۱۴. به لحاظ کارتیمی و گروهی به نظرم این دانشگاه خوب هست، بهتر از دانشگاه‌های دیگر است، لاقل نشوون میده مدیر گروه به یه چیزی تووجه داره، یه چیزی را چک کرده است
استانداردهای محیط خوابگاهی و دانشگاهی ورزش وزندگی دانشجویی	فضای کالبدی غیر آموزشی	۸	۱۵. سرانه محیط استاندارد محیط خوابگاهی و دانشگاهی خیلی پایین است در این دانشگاه

زندگی علمی دانشجویی	جنب‌وجوش تحصیلی در دانشجویان شور و شوق علمی	۵	۱۶. لاقل در دانشکده ما (حقوق) شور و شوق و هیجانی هست، سؤال می‌پرسند از همدیگر. نسبت به سایر دانشگاه‌ها بهتر است
عدم پاسخگویی مدیریت	ارتباطات انسانی گزارش دهی	۱ ۲	۱۷. مدیران و رئیس‌هایی در دانشگاه می‌بینیم که نه تنها پاسخگو نیستند، پاسخ هم بلد نیستند بدھند و متأسفانه نمی‌دونم با چه سیاستی وارد شده‌اند
زیرساخت‌های کالبدی و فنی و فضا و اطلاعات و ارتباطات	زیرساخت‌ها	۷	۱۸. «بهیچ وجه دانشگاه ما در زمینه کتابخانه، وايرلس، سایت، اينترنت و... پاسخگوی دانشجو نیست. مثلاً کتابخانه دانشکده حقوق وارد می‌شود ۲۰ نفر ظرفیت دارد درصورتی که هزار تا دانشجو در اینجا هست
سبک رهبری مشارکت جویانه بدون سیاست زدگی جنب‌وجوش اجتماعی و فرهنگی و سیاسی دانشجویان	مشارکت دانشجویان	۴ ۵	۱۹. ای کاش دانشجویان بتوانند مشارکت کنند و البته قادر از هیاھو و دخالت‌های سیاسی
انتخابی بودن ریاست دانشگاه از متن دانشگاه	نحوه انتصاب ریاست دانشگاه	۴	۲۰. از داخل دانشگاه رئیس آن توسط استادان خود دانشگاه انتخاب بشود خیلی بهتره، تا این‌که کسانی رئیس را انتخاب کنند که هیچ شناختی از دانشگاه ندارند

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد از تحلیل مضمون مصاحبه هفتم تکرار و توالی موضوعات و دیدگاه‌ها و تجربه‌ها کاملاً احراز شد و اشباع داده‌ها روی داد. این درحالی‌که بود تا مصاحبه ۱۶ تعداد ۲۵۰ گزاره مورد تحلیل تمایک قرار گرفته بود. درمجموع حدود ۳۰ در صد اظهارت حاکی از ادراک تجربه‌شده و زیسته شده مثبت مشارکت‌کنندگان تحقیق از دانشگاه موردمطالعه بود درحالی‌که حدود ۷۰ درصد از تجربه‌ها با نوعی ارزیابی منفی و نارضایت‌بخش قرین بودند.

تحلیل مضامین^۱ و یافته‌های مطالعه

درمجموع حدود ۳۰ در صد اظهارت حاکی از ادراک تجربه‌شده و زیسته شده مثبت مشارکت‌کنندگان تحقیق از دانشگاه موردمطالعه بود درحالی‌که حدود ۷۰ درصد از تجربه‌ها با نوعی ارزیابی منفی و نارضایت‌بخش قرین بودند. نتایج تحلیل مضمونی تعداد ۱۸ مقوله فرعی و سه مقوله اصلی بود.

الف. مقولات فرعی:

۱. زندگی دانشجویی، رشد و بالندگی

بیشترین توجه دانشجویان مشارکت‌کننده در تحقیق به زندگی دانشجویی خود در دانشگاه معطوف شده است. برای یک دانشجو گویا ملموس‌ترین تجربه زیسته در دانشگاه این است که چقدر بودن در آن دانشگاه برای او دلیل‌زیر هست؟ دانشجو از بد و تصمیم‌گیری برای ورود به دانشگاه آمال و آرزوهایی از یک زندگی دانشجویی در سر دارد. انتظار رفاه و شادی و راحت بودن دارد. انتظار دارد از طریق بودن در دانشگاه دوره‌ی خوشایندی از مهم‌ترین بخش زندگی جوانی خود را تجربه بکند و از رهگذر این تجربه‌ها رشد بکند، انواع نیازهای درونی خود را برآورده بسازد و ابراز هویت بکند. درنتیجه تا از دانشجویان درباره‌ی تجربه زیسته دانشجویی شان سؤال می‌شد به کمترین بهانه‌ای گریز به ابعاد مختلف حیات دانشجویی خود می‌زدند. «ع.ت.» مرد، لیسانس، حقوق، غیربومی و ساکن خوابگاه از وضع تغذیه گله دارد: «از نظر غذا و تغذیه خیلی خوب نیست، خیلی تحریرآمیز با آدم رفتار می‌کنند ولی قیمت ماشاء‌الله هرسال میره بالا». «۱. پ.» مرد، فوق‌لیسانس، علوم زیستی، غیربومی و ساکن خوابگاه پیشنهاد می‌کند: «رئیس دانشگاه یکبار در ماه به سلف سر نمی‌زند بیند غذا

¹ thematic analysis

قابل خوردن هست یا نه». «ع.ر.» مرد، فوق لیسانس، علوم زیستی، غیربومی و ساکن خوابگاه می‌گوید: «شادابی و سلامت روانی دانشجویان آنچنان‌که باید باشد نیست، ... سالن‌های ورزشی ناچیز است...». وی در ادامه مصاحبه به موضوع عجیبی اشاره می‌کند که شاید بتوان آن را درنهایت شرمداری «بیگاری آکادمیک!» تعبیر کرد: «بیشتر اساتید کارهای خودشان را به دانشجویان واگذار می‌کنند و فرصت‌های دیگر از دانشجو گرفته می‌شود». او با اشاره به تک‌بعدی شدن گذرانیدن واحدهای درسی در دانشگاه و کمبود شور و شوق فرق برنامه‌ای در زندگی دانشجویی، وضعیت این دانشگاه را با برخی مؤسسات آموزش عالی کوچک‌تر مقایسه می‌کند: «در دانشگاه‌های کوچک انجمان‌های علمی وضعیت بهتری دارند». «۱. پ.» مرد، فوق لیسانس، علوم زیستی، غیربومی و ساکن خوابگاه نیز توضیح می‌دهد: «در دانشگاه‌های شهرستان دانشجویان رغبت بیشتری دارند، حتی شادابی‌شان نیز بیشتر است. انجمان‌های علمی در اینجا خیلی ضعیف هست، بیشترین جایی که فعالیت می‌کند بسیج هست». «ال.ر.» زن، فوق لیسانس، علوم کامپیوتر، غیربومی و ساکن خوابگاه نیز معتقد است: «شورونشاط دانشجویی نسبت به دانشگاه‌های تهران کمتر هست، برنامه‌های جانبی برای خود ندارند، فقط درس» و «دانشجویان اون شورونشاط جوانی را ندارند». این مضمون جزو موارد مکرر در مصاحبه‌ها بود و اطمینان به دست می‌داد که زندگی دانشجویی یکی از ضعیفترین بخش‌های تجربه‌شده دانشجویان در یک دانشگاه باسابقه و بزرگ و جامع واقع در پایتخت ایران است. «پ.م.» زن، فوق لیسانس، ادبیات و علوم انسانی، بومی به ما اظهار داشت: «در این دانشگاه، انجمان علمی دانشجویی قوی نیست، کارهای علمی زیادی انجام نمی‌دهند بیشتر نهادها مخصوص مراسم‌های خاص هستند». آن مقدار برنامه‌های کم نیز بیشتر از سوی نهادهای رسمی ترتیب داده می‌شوند و فاقد تنوعات لازم نیز هستند. «پ.م.» زن، لیسانس، علوم زمین، بومی اظهار داشت: «فعالیت‌های فرهنگی داخل دانشگاه فقط بسیج و نهاد رهبری انجام میدن بیشتر این اردوها و بازدیدها سفر زیارتی هست، این خوبه، باید هم باشه ولی آگه هر دانشکده متناسب با هر رشته سفر علمی یا بازدید از موزه یا دانشگاه یا... بذاره خیلی عالی میشه»^{۱۰}. «م.ن.» زن، لیسانس، مدیریت و حسابداری، بومی نیز همین مضمون را تأکید می‌کند: «در فعالیت‌های فرهنگی بیشتر بسیج و نهاد رهبری فعال هستند تا اینکه انجمان‌های علمی نقش داشته باشند، اونم فعالیت اونها بیشتر به مناسبت‌های خاص هست».

یک نکته اساسی در اینجا آن است که دانشجو در ابتدای ورود خالی از شور و شوق جوانی نیست و رؤیایی دارد اما در طول تحصیل این انرژی‌های پتانسیل رو به ضعف و زوال می‌نهنند. «پ.ر.» زن، فوق‌لیسانس، علوم ریاضی، غیربومی و ساکن خوابگاه توضیح می‌دهد که «بچه‌ها اول که وارد دانشگاه می‌شوند شورونشاط خوب دارند اما بعد مدتها اون شور اولیه ندارند، جو دانشگاه طوری هست که بچه‌ها نمی‌توانند شاد باشند، دلیلش را نمی‌دون اول بالاًرژی زیاد می‌ایند اما بعد دو ماہ شورونشاط از بین رفت، شورونشاط اولیه ندارند». علت چیست؟ از یکسو به نقایص موجود در برنامه‌ها و مدیریت دانشگاه و بی‌توجهی به زندگی دانشجویی بر می‌گردد و از سوی دیگر عوامل دیگری دست به دست هم می‌دهند و شورونشاط از زندگی دانشجویی می‌ستانند. این عوامل از بیرون و درون دانشگاه زیادند اما بیگمان یکی از مهم‌ترین عوامل نگرانی‌های خود دانشجویان درباره‌ی آتیه خودشان است. چنانکه «م.غ.» زن، فوق‌لیسانس، علوم محیطی، غیربومی به ما بیان کرد: «شورونشاط دانشجویان کم هست. همه نگران آینده هستند، بیشتر به لحاظ شغلی».

۲. سبک رهبری و مدیریت

از دیگر موضوعاتی که بیشترین ارجاع را در مصاحبه دانشجویان به خود اختصاص می‌داد و معلوم بود مشارکت‌کنندگان تحقیق، حساسیت زیادی به آن دارند مدیریت روابط انسانی و سبک رهبری در دانشگاه بود. دانشجویان کنیکاو هستند که مدیران تا چه اندازه مردم مدار و خدوم هستند. «م.م.» مرد، فوق‌لیسانس، حقوق، غیربومی و ساکن خوابگاه می‌گوید: «مدیران و رئیس‌هایی در دانشگاه می‌بینیم که نه تنها پاسخگو نیستند، پاسخ هم بلد نیستند بدنه و متأسفانه نمی‌دونم با چه سیستمی وارد شده‌اند (به این مستند نشسته‌اند)»، «رئیس دانشگاه پشت درهای بسته مدیریت می‌کند». «ع.ت.» مرد، لیسانس، حقوق، غیربومی و ساکن خوابگاه معتقد است: «کارکنان خوب‌اند و ارتباط صمیمانه دارند ولی مدیران با دانشجویان ارتباط ضعیفی دارند» و «مسئولین گوش شنوا ندارند که بخواهند حرف ما را بشنوند و بخواهند پاسخ‌گو باشند، مدیران که هر وقت حضور ندارند می‌گویند جلسه هستند». «ر.ق.» مرد، فوق‌لیسانس، علوم تربیتی، غیربومی و ساکن خوابگاه می‌گوید «مدیران عالی رتبه به خصوص رئیس دانشگاه را خیلی کم دیدم و زیاد در دسترس و دید دانشجو نیست». «ع.ر.» مرد، فوق‌لیسانس، علوم زیستی، غیربومی و ساکن خوابگاه تأکید دارد که «رئیس دانشگاه اگر هست برای اساتید و دانشجویان هست و باید برای این‌ها وقت معین بکند». «ای‌کاش

ای کاش مسئولین ما (رئیس دانشگاه) خیلی بیشتر از این‌ها در جامعه، تو دانشگاه با بدنه اجتماع (دانشجویان) برخورد داشتند، وقتی برخورد داشته باشی با دغدغه مردم متوجه می‌شی، انتقاد می‌شنوی و انتقاد هم باعث پویایی و پیشرفت است»

۳. هیئت علمی

از دیگر موضوعات که ادراک زیسته و تجربه‌شده‌ی دانشجویان مشارکت‌کننده در مطالعه را به خود مصروف می‌دارد هیئت‌علمی دانشگاه است. همان کسانی که بیشترین مراوده دانشجویان با آن‌هاست. در رده‌هایشان می‌نشینند، به حرفة‌ای دهانشان و بدنشان و حالات و حرکاتشان گوش می‌دهند، سطح علم و طرز تفکر و مراتب رفتار و اخلاقشان را تجربه می‌کنند و احساس‌های خوش و ناخوش از این طریق به آن‌ها دست می‌دهد. چقدر استادان برای دانشجویانشان مهم و معنادارند؟ یا نیستند؟ این‌ها جزو اثربارترین آدم‌ها بر دانشجویان هستند و در شکل‌دهی طرح شخصیتی آن‌ها سهیم می‌شوند. «پ.ر.» زن، فوق لیسانس، علوم ریاضی، غیربومی و ساکن خوابگاه می‌گوید: بعضی از استادی‌ها واقعاً سر کلاس هاشون خیلی چیز یاد می‌گیری... و بعضی هم: وقتی می‌خواهی انتخاب استاد راهنمایی کنی خیلی از خودشون تعریف می‌کنند اما اصلاً وقت برای دانشجو نمی‌گذارند! مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر از جمله مشخصه‌های کیفیت هیئت‌علمی را در کنار سواد و دانش و تخصص و اخلاق و شخصیت، داشتن فرصت برای اقامت در پردیس و در دسترس دانشجو و جوابگویی علمی و آموزشی و پژوهشی به او دانستند و ناراحت بودند از اینکه: «اعضای هیئت‌علمی، خیلی قابل دسترس نیستند، مشغولیت کاری زیاد باعث می‌شون خیلی کم باهشون ارتباط برقرار کنم، مشغله کاری زیاد مثل مشاور سازمان، تدریس و.... باعث می‌شون کم بهشون دسترسی داشته باشم».

۴. یاددهی و یادگیری

اگر دانشجو به استادان حساس است حق دارد چون یکی از رکن ترین کار ویژه‌های دانشگاه جریان یاددهی و یادگیری است که استادان در کیفیت آن مهم‌ترین نقش را بر عهده دارند. کیفیت یاددهی و یادگیری آکادمیک از دیگر پر گفته ترین موارد در مصاحبه‌های ما بود. «برخی از استادی‌ها به روز هستند»، برعکس و با تأسف «بعضی وقت‌ها استادی‌ها هستند که کیفیت ارائه ندارند به طوری که اگر سر کلاس آن‌ها حضور نداشته باشی و خود شخصاً مطالعه کنی نتیجه بهتر می‌گیری تا اینکه یک ساعت و نیم در کلاس وقت بگذرانی و دوباره

مطلوب را مطالعه کنی و این‌همه فشار روانی برات به وجود بیاد»، «داریم استادی که سطح علمی بالایی داره ولی نمی‌تونه مطلب را انتقال بده و تو این مورد خیلی ضعیف هست». چشم‌ها به استاد دوخته شده است: «سنت شب امتحان درس خواندن در میان دانشجویان همچنان هست تدبیری از استادان نیست که این سنت از بین برود»، «تو کارشناسی به ما مقاله نوشتن را یاد ندادند و وقتی به استاد می‌گفتیم مقاله بنویسیم همش می‌گفتن زود هست، ولی تو دانشگاه‌های دیگه می‌بینم دانشجویان مقاله می‌نویسنده و متأسفانه: «استادی که تا مدت‌ها قبل طرح درس داشتند الان خود را راحت کرده و فقط با دادن سمینار به دانشجویان ترم را می‌گذرانند. هیچ نظارتی بر کار استاد وجود ندارد».

۵. سوروسات آکادمیک

از جمله سایر موضوعات موردنوجه و حساسیت دانشجویان، امکانات کالبدی و کتابخانه‌ای و آزمایشگاه و تجهیزات و اینترنت و مانند آن بود که مجموعه تحت عنوان کیفیت سوروسات آکادمیک مفهوم‌سازی شد و از لوازم عمدی یک دانشگاه خوب در نظر دانشجوست. وقتی در دانشگاهی باز می‌شود ولی امکانات لازم را ندارد نوعی نقض غرض است مثل اینکه میهمانی دعوت بکنی و طعامی تدارک نبینی. «م.م.» مرد، فوق‌لیسانس، حقوق، غیربومی و ساکن خوابگاه می‌گوید: «کتابخانه دانشکده با ۲۰ تا ۳۰ نفر پر می‌شود جایی برای مطالعه نیست حتی کتابخانه مرکزی دانشگاه نیز فضای کوچکی دارد در کتابخانه من اصلاً پویایی نمی‌بینم» و حق دارد بگوید: «کتابخانه دانشکده با ۲۰ تا ۳۰ نفر پر می‌شود جایی برای مطالعه نیست حتی کتابخانه مرکزی دانشگاه نیز فضای کوچکی دارد در کتابخانه من اصلاً پویایی نمی‌بینم». دیگران نیز می‌گویند: «کتابخانه منابع انگلیسی کم دارد»، «پایان‌نامه‌هایی را که متعلق به خود دانشگاه هست در کتابخانه موجود نیست!»، «برای دانشگاهی که بیش از ده هزار دانشجو داره کتابخانه‌ای تدارک دیده‌اند ظرفیش کمتر از ۱۰۰ صندلی است»، «آزمایشگاه‌ها اصلاً وسیله‌ای ندارند. به لحاظ اینترنت هم خیلی کمبود هست.»، «اینترنت هم فارغ از اینکه حجمش کم هست، قطع ووصلی اینترنت آزاردهنده دارد».

۶. عدالت آکادمیک

اکنون به یکی دیگر از حساس‌ترین نکاتی می‌رسیم که از سوی بخش درخور اعتنایی از مشارکت‌کنندگان تحقیق ما مورد تأکید قرار می‌گرفت. این موضوع از بس تکرار شد که با اطمینان می‌توانیم بگوییم در مرکز تجارب دانشجویی فرزندان ما در دانشگاه‌ها قرار دارد. این

موضوع چیزی نیست جز احساس ناراحت‌کننده‌ی تبعیض. حتی اگر هم واقعاً تبعیضی در کار نباشد، نفس این احساس مکرر که در مصاحبه‌ها به تعابیر مختلف توالی و تعاقب دارد می‌تواند نشانه‌ای باشد که در دانشگاه‌های خود به آن کنجکاو باشیم. نگاه‌های حساس دانشجو به اعمال و رفتار ما دوخته شده است و می‌خواهند مطمئن بشوند که رفتار ما در تدریس و در ارزشیابی و در توزیع فرصت‌ها و بخت‌های یادگیری عالی و تحصیلات دانشگاهی به صورتی برابر و برقان از تبعیض است. «استادان تا حدودی به دانشجویانی که در دوره لیسانس نیز در این دانشگاه بودند توجه بیشتر نشان می‌دهند و یک نوع تبعیض به وجود می‌آید»، «تبعیض در دانشگاه توسط اساتید کم‌وبیش هست، مثلاً دانشجویانی که برای مصاحبه دکتری از دانشگاه‌های دیگر می‌ایند اساتید دانشجوهای خودشون را بیشتر قبول دارند»، «در رفتار برخی اساتید تبعیض به چشم می‌خورد البته نه همه. بعضاً به آن‌ها که پایان‌نامه دارند، بیشتر توجه می‌کنند»، «گاهی اوقات تبعیض هم قائل می‌شوند، برای نمره دادن به اونهایی که از دانشجویان خودشون باشند یا پایان‌نامه باشون دارند»، «استادان تبعیض قائل می‌شوند تو نمره دادن، تو راهنمایی کردن دانشجو و.... با همه یک‌جور رفتار نمی‌کنند»، «استاد به دانشجوی همشهری خود بهتر نمره میده».

۷. تسهیلگری

بوروکراسی اداری در دانشگاه و پیچ‌وخم‌های مقررات بدجوری ذهن مشارکت‌کنندگان در تحقیق را به خود مشغول کرده است. دانشجویان مصاحبه‌شونده با استرس زیاد از کاغذبازی یا سیستم بازی در انجام امور اداری خود و ارجاع بی‌مورد و صوری به آین‌نامه‌ها و مقررات سخن گفتند. در گفتگوی فعالی که با آن‌ها داشتیم به نتیجه رسیدیم که حقیقتاً هیچ‌یک نافی ضوابط و قوانین و هنگارها نبودند و فقط از آزار و اذیت اداری در نحوه انجام امور آموزشی و دانشجویی و دانشگاهی خود و طول زمان رسیدگی و صرف وقت نا لازم گله داشتند. نحوه برخورد مدیران و کارکنان برایشان مهم بود و تجربه‌شان به آن‌ها می‌گفت که آیا بنا بر تسهیلگری بود یا مانع تراشی و بهانه‌جویی.

«ع.ت.» مرد، لیسانس، حقوق، غیربومی و ساکن خوابگاه می‌گوید: «برای انجام امور اداری روال انجام کارها خیلی کند پیش میره و زمان بر هست. یک نوع کاغذبازی وجود داره ... آین‌نامه‌ها صوری هست. اونجایی که به نفع خودشون باشه اجرا می‌کنن ولی اونجاهایی که منفعتی نداشته باشه برashون یا اجرا نمی‌شه». «ر.ق.» مرد، فوق لیسانس، علوم تربیتی، غیر

بومی و ساکن خوابگاه نیز برآن است که: «روال انجام امور اداری خیلی زمانبر و بوروکراتیک هست، شاید بخواهی یک نامه‌ای از دانشکده از طریق سیستم اتوماسیون بفرستی برای معاونت آموزشی چند روز طول می‌کشد تا بخواهی به کارت بررسی». «ع.ر.» مرد، فوق‌لیسانس، علوم زیستی، غیربومی و ساکن خوابگاه، تجربه یأس‌آوری دارد: «انجام امور اداری خیلی زمانبر هست و جوابگو هم نیستند. باینکه مدارک موردنیاز را هم ارائه می‌دهی ولی پیش میاد که خواسته‌ات را انجام نمی‌دهند». «س.م.» زن، فوق‌لیسانس، علوم محیطی، غیربومی و ساکن خوابگاه نیز حکایت مشابهی دارد: «کارهای اداری در اینجا هم مثل همه جاهای دیگه ناجوره. دوست دارند آدم را معطل نگه دارند، برای انجام کارت دست دست دست می‌کنند و بهونه میارند و امروز و فردا می‌کنند». دیگری نیز نقل می‌کند: «دوستانی سراغ دارم که شش ماه گرفتار بودند برای یک امور اداری خیلی کوچک» این است که خیلی‌ها اصولاً از آیین نامه‌ها زده و به آن‌ها بی‌اعتماد و بیگانه شده‌اند که لطمه بزرگی به جوهرهی هنجرین دانشگاه وارد می‌آورد: «آیین نامه‌ها که نوشته‌اند بر کاغذ و صوری هستند». برای همه‌ی ما که مشتاق بین‌المللی شدن آموزش عالی کشورمان هستیم دردنک است وقتی یک دانشجوی خارجی مثل. «ع.ش.» مرد، فوق‌لیسانس، علوم اقتصادی و علوم سیاسی، غیر ایرانی (تاجیکستان) و ساکن خوابگاه بگوید: «شخصاً از روزی که معرفی‌نامه از وزارت علوم گرفتم حدود دو ماه طول کشید تا به دانشگاه بیاید و من از ترم عقب افتادم و فرصت یک‌ترم از من گرفت، روal اداری خوبی به نظرم نیست»!

۸. جو پردیس

موضوع موردتوجه دیگر دانشجویان برای داشتن حس مثبتی از زیستن در یک دانشگاه؛ جو پردیس، زیبایی‌های آن، عناصر فضایی آن، ونمادهای معماری و فضای مناسب اقامتی است. دانشجویان دانشگاه که با آن‌ها مصاحبه شد نوعاً از زیبایی‌های طبیعی در پردیس آن و موقعیت کوه پایه‌ای و درختان و طوطی‌هایی که از این‌سو به آن‌سو پرواز می‌کنند و آلاچیق‌های چشم‌نواز بالحساس خوشایندی حرف می‌زند. حتی اگر هم سریالایی‌هایش خسته‌کننده بود به جلوه‌هایش می‌ارزید: «محیط دانشگاه را دوست دارم، قشنگ هست، وقتی راه میری حس خوبی بہت دست میده» اما همین دانشجویان ناراحت بودند که «دانشگاه ما این‌همه سال بدون سردر است»! و «به لحاظ نمادهای دانشگاه در اینجا سردی که نشان‌دهنده دانشگاه باشد وجود ندارد!».

۹. فرهنگ‌سازمانی و کیفیت زندگی کاری

یک دانشگاه خوب را فقط فضا و معماری و درختان آن برپانمی دارد بلکه یک شرط مهم‌تر را چشمان پیجوی دانشجویان در پس پشت فیزیکی دانشگاه سراغ می‌گیرند؛ در فرهنگ‌سازمانی، جو گروه‌ها و منش و رفتار استادان و نحوه روابط آن‌ها با همدیگر و میزان تعاملات مثبت یا احیاناً روابط مخرب و بیگانگی‌ها. این است که می‌بینیم مشارکت‌کنندگان دانشجویی در این تحقیق در پشت چهره‌های به‌ظاهر محترم برخی استادان خود نگران جرگه گرایی‌ها و باندیازی‌ها و آلوهه شدن کاروبار دانشگاهی با حب و بغض‌ها و کشاکش‌ها هستند: «باندیازی و این مسائل هست» گویا برخی دانشجویان احساس می‌کنند: «در دانشگاه باندیازی هست و استاید طرف یک حزب یا جناح سیاسی را می‌گیرند» و دیگرانی به‌وضوح می‌بینند: «متأسفانه تعامل بین استاید وجود ندارد» و شگفت‌آورتر از آن اینکه دانشجویی نتیجه‌ای با این تعبیر بگیرد: «برخی استاید باهم حسودند!» (ع.ر.) مرد، فوق‌لیسانس، علوم زیستی، غیربومی و ساکن خوابگاه استدلال می‌کند که: «دانشجو بازنش کشاکش‌های باندیازی استادان می‌شود به خاطر تضاد این عقاید و باورهای استاید، عاقبت دانشجوست که ضربه می‌خورد».

۱۰. هنجارهای علمی و آکادمیک

مشارکت‌کنندگان در تحقیق فارغ از اینکه خود تا چه حدی هنجارهای علمی و آکادمیک را رعایت می‌کنند این هنجارها هنوز در باورهای آن‌ها نفوذ دارد. بازهم از پیچیدگی‌های فرهنگ و جامعه ایران است که از رعایت نشدن هنجارها توسط دیگران گلایه می‌کنند، حتی اگر خودشان هم نتوانند در عمل به این هنجارها پاییند باشند. گلایه از «پایان‌نامه‌های نگارش شده که بدون بررسی مجلد توسط استاید وارد کتابخانه می‌شوند درحالی که دارای اشتباهاتی هستند».

۱۱. رسالت‌های فرهنگی و اجتماعی دانشگاه

آیا فلسفه‌ی آموزش عالی چیست؟ یک دانشگاه چه کار ویژه‌هایی دارد؟ آیا کافی است که در او آموزش و پژوهش به معنای تخصصی کلمه جریان داشته باشد و درنهایت به تربیت نیروی انسانی متخصص و ارائه خدمات تخصصی به بازار و صنعت و جهان کار پردازد و اخیراً نیز چنانکه گفته می‌شود کارآفرینی و تولید فناوری و ثروت بکند؟ یا نه، دانشگاه نهادی اجتماعی و فرهنگی نیز هست و اهداف و انتظارات و آمال عام‌المفعه عمومی در فلسفه‌ی تاریخی او

مستر است و در ذات خود رسالت روشنفکری و نقد و روشنگری اجتماعی و مأموریت‌های جامعه خواسته‌ی فرهنگی و اجتماعی دارد؟ دانشجویان مشارکت‌کننده در این تحقیق نوعاً قائل به شق دوم هستند. دانشگاه در ادراک آن‌ها نهاد تفکر و نقادی و پرسشگری و پی‌جویی حقیقت است. درنتیجه متأسف‌اند که «جنب‌وجوشی در دانشجویان نمی‌بینیم»، «طوری القاشه‌د که، بیشتر می‌خواهند ذکر و فکر دانشجو توی درس باشد» و تأسف از اینکه «اصل‌حرف زدن از آزادی عقیده در این دانشگاه بیمورد، آزادی عقیده نیست» «فعالیت‌های فرهنگی داخل دانشگاه را فقط بسیج و نهاد رهبری انجام میدن».

۱۲. استقلال و کفایت آکادمیک

شأن و منزلت دانشگاه را چنان نمی‌بینند که باید باشد. «م.م.» مرد، فوق‌لیسانس، حقوق، غیربومی و ساكن خوابگاه می‌گوید: «از داخل دانشگاه رئیس آن توسط استان آن انتخاب بشود خیلی بهتره، تا این که کسانی رئیس را انتخاب کنند که هیچ شناختی از دانشگاه ندارند». دانشگاه نهادی فکری و حرفه‌ای است و درنتیجه مدیریت در او لازم است مطابق اصول حرفه‌گری و شایسته گزینی باشد «زمانی مدیریت کارآمد می‌شده که متخصص اون کار باشه». دانشجوی دیگر می‌گوید «گاهی می‌بینیم کسانی در رأس مدیریت‌های دانشگاهی قرار می‌گیرند که به جای برقراری ارتباط با دانشجو و حل مشکلات دانشجو، بیشتر در بدۀ استان با گروه‌های فشار و ذی‌نفوذ هست». «تجربه‌ای که خودم از دو دانشگاه بزرگ ترداز اول داشتم نشون میده این دانشگاه‌ها دست‌وپا برای گذر زمان می‌زنند همین‌که سال بگذرد و تعطیلی فرابرست بودجه دولتی خود را هزینه بکنند و حداقلی از کارها را به اتمام برسانند» و به تعبیر یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان «دانشگاه ما بیشتر مجری برنامه‌های دیگران هست تا اینکه بخواهد خود برنامه داشته باشد» و دانشگاه‌هایان کمترین نقش در اداره‌ی امور خود پیدا می‌کنند: «من فکر نمی‌کنم برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌ها گروهی و مشارکتی باشه، بیشتر خودمحوری هست تا مشارکتی».

۱۳. برنامه درسی

ملال‌آور بودن و بی‌فایده بودن بخش بزرگی از درس‌های عمومی از دیگر تجربه‌های تلحظ دانشجویان است. «ع.ت.» مرد، لیسانس، حقوق، غیربومی و ساكن خوابگاه می‌گوید: «با پاس کردن دروس عمومی وقت تلف می‌کنیم، نه ما از این کلاس‌ها لذت می‌بریم نه اونا (مدرسان). دروس عمومی باید متناسب با روز مثل کلاس کامپیوتر، زبان و... باشه». این

مقوله به انحای مختلف در بسیاری از مصاحبه‌ها تکرار شده است: «دروس عمومی واقعاً ضعیف هست و فقط اتلاف وقت هست»، «دروس عمومی، نه اساتید کلاس هاشون جدی هست و نه دانشجویان مایل‌اند در این کلاس‌ها حضورداشته باشند، و اکثرآ تو کلاس‌های عمومی غیبت می‌کنند، بی‌انگیزه هستند». دانشجویان مصاحبه‌شونده برای حل این مشکل، راه حل هم می‌دهند: «به جای این‌ها کارگاه‌هایی باشد که شیوه زندگی سالم را آموزش دهنند».

۱۴. رقابت‌پذیری آکادمیک

بدون شرایط رقابتی امکان پیشرفت و ابتکار و پویایی نیست. کشور نیاز به فضای رقابتی سالمی برای ظهر ابتكارات و خلاقیت‌ها و نوآوری‌هاست. مداخلات، ابتکار سوز هستند و نگاه‌های یکسان‌ساز مانع رشد و توسعه هستند. رقابت چه در درون یک دانشگاه میان دانشجویان، میان استادان، میان گروه‌ها و رشته‌ها و دانشکده‌ها و چه خصوصاً در جامعه و میان دانشگاه‌ها و بالاخص در سطح منطقه‌ای و رقابت‌پذیری‌های لازم جهانی. «هی». مرد، دکتری، علوم تربیتی، غیربومی و ساکن خوابگاه می‌گوید: «در رشته ما دانشگاه بهترین دانشگاه در حوزه آموزش عالی است در بین دانشگاه‌های کشور و منطقه توان رقابت دارد. اعتبار مدرک دانشگاهی برای انتخاب دانشگاه‌ها خیلی مهم بوده است». در مصاحبه‌های دیگر نیز گوشه‌های مختلف اصل رقابت‌پذیری ذکر می‌شد: «بچه‌های حقوق این دانشگاه می‌نازند که ما بهترین‌های حقوق در کشور هستیم»، «دانشگاه تو بعضی رشته‌ها خوبی، اعتبار دانشگاه بین گروه‌ها، رشته و دانشکده‌ها متفاوت هست»

۱۵. بین‌المللی شدن

دانشجویان مشتاق بین‌المللی شدن دانشگاه‌شان هستند و حتی کوچک‌ترین شواهد مثل برگزاری همایش‌های تخصصی بین‌المللی در دانشگاه را به فال نیک می‌گیرند: «برای رشته ما که دو بار همایش بیمه برگزار شد با شرکت‌های بیمه آشنا شدم، با سازمان‌ها کامل آشنا شدم، از کشورهای خارجی او مده بودند» تا حسرت‌ها و نیازهای اصلی بعدی‌شان برای تحصیل در دانشگاهی که نگاه جهانی و مراوده و مبادله‌ی علمی و دانشگاهی فعال جهانی دارد و این را در دانشگاه متحقق نمی‌بینند: «دانشگاه با دانشگاه‌های دیگر کشورها ارتباط چندان ندارد و تفاهم‌نامه همکاری و تبادل اطلاعات و دانش ندارد، تو پذیرش دانشجو و جذب استاد همکاری نیست» محدودی دانشجو از کشورهای دیگر در این دانشگاه درس می‌خوانند که اظهارات آن‌ها شاهد مثالی برای ضعف‌های ما در بین‌المللی شدن آموزش عالی‌مان است.

وقتی دانشجوی کشورهایی مثل تاجیکستان و سوریه دریکی از مشهورترین دانشگاه‌های کشور انواع مشکلات دارند، حساب بقیه کشورهای جهان آن‌هم در مقیاس کل دانشگاه‌های کشور از نظر پس افتادگی ما در بین‌المللی شدن دانشگاه‌هایمان معلوم می‌شود. «ع.ش.» مرد، فوق لیسانس، علوم اقتصادی و علوم سیاسی، غیر ایرانی (تاجیکستان) و ساکن خوابگاه می‌گوید: «مدیران دانشگاه بیشتر به دنبال جذب بیشتر دانشجویان خارجی هستند در حالی که به دنبال برطرف کردن نواقص نیستند... عملکرد واقعی دانشگاه به لحاظ درسی خوب است، به لحاظ اداری جالب نیست، امکانات آشپزخانه خوابگاه کم هست، سالن مطالعه خوابگاه کافی نیست، تمیز هم نیست و دوستानم سکوت را رعایت نمی‌کند. کارکنان رفتار و برخوردشان جالب نیست به خصوص منشی‌های اساتید رفتارشون خوب نیست قبل از این‌که بیام اینجا فکر می‌کرم دانشگاهی که این‌قدر اسم و رسم داره حداقل منظم‌تر از دانشگاه قبلی‌ام باشه، بعد که او مدم دیدم نظمی نیست و از رفتار و برخورد عده‌ای از کارکنان خوشم نیومد عملکرد مدیران و دانشگاه که همش سعی می‌کند مثبت بگویند، نواقص نادیده بگیرند، پسندیده نیست. به نظرم گول زدن خودمان هست. انتقاد نپذیرفتن نقص بزرگ هست که اینجا می‌بینم... نظرخواهی به صورت جدی از ما نمی‌شود، ولی گاه‌گاهی که نظرخواسته می‌شود صریح از ما خواسته می‌شود که مثبت بگیم!»

۱۶. صیت و آوازه و نشان اجتماعی (برند)

دانشگاه وقتی می‌تواند پیشرفت کند که چارچوب‌های کارآمدی برای ارزیابی درونی و بیرونی داشته باشد، از طریق شبکه‌ای از اعتبارسنجی در مقیاس ملی و بین‌الملل خود را در معرض قضاوت عمومی قرار بدهد، ساختارها و فرایندهایی برای ممیزی داخلی و بیرونی داشته باشد، الزامات کیفیت و استانداردها را در خود مستقر بکند، نظامی از پایش برقرار سازد و در رتبه‌بندی‌ها وضعیت خود را ارتقا بدهد. مصاحبه‌شونده‌ها نشان می‌دادند که حاضر نیستند چشم‌بسته در دانشگاهی درس بخوانند. برای مثال «ر.ق.» مرد، فوق لیسانس، علوم تربیتی، غیربومی و ساکن خوابگاه می‌گوید: «از دلایلی که این دانشگاه را انتخاب کردم به خاطر اینکه اساتید صاحب‌نظر و بنامی که دارد که در سطح کشور شناخته شدند و اغلب کتاب‌های آن‌ها منبع آزمون‌ها و در کلاس تدریس می‌شد». دیگری می‌گوید: «می‌شنیدم اینکه جزو هشت تا دانشگاه برتر هست یه جوری برایم ایجاد انگیزه می‌کرد که این دانشگاه را

انتخاب کنم». و دیگری: «من رنکینگ دانشگاه را دنبال می‌کنم، الان رنکینگ ما چهارم و پنجم هست».

۱۷. پژوهش دانش آموختگان باکیفیت

از حرف‌هایشان بهروشی پیداست که با انتظاراتی به دانشگاه آمدۀ‌اند «ر.ق.» مرد، فوق لیسانس، علوم تربیتی، غیربومی و ساکن خوابگاه که می‌گوید: «تحصیل در اینجا یک نوع پایگاه اجتماعی برای فرد ایجاد می‌کنند». یا «ع.ر.» مرد، فوق لیسانس، علوم زیستی، غیربومی و ساکن خوابگاه که افتخار می‌کند: «دانشجویانی که فارغ‌التحصیل شدند از این دانشگاه اغلب به مقام بالایی رسیدند» هرچند متأسفانه نگرانی‌های آینده‌ی شغلی دست از سرشار برنمی‌دارد. چنانکه «ف.ا.» زن، فوق لیسانس، علوم ریاضی، غیربومی و ساکن خوابگاه اظهار می‌دارد: «به لحاظ شغلی هنوز آینده‌ام معلوم نیست» و «س.م.» زن، فوق لیسانس، علوم محیطی، غیربومی و ساکن خوابگاه ناراحت است از اینکه «دانشگاه فرصت تحصیلی، شغلی خاصی برایم فراهم نکرد، اساتید دانشجویان را در پروژه‌های خود سهیم نمی‌کنند تا الان که نتوانstem کار و شغل مناسب پیدا کنم» و دیگران نیز به همین صورت: «دانشگاه هیچ فرصتی شغلی، پژوهشی و... برایم نداشت، تا الان که برایم فرصتی فراهم نکرده»

۱۸. تولید دانش و کارآفرینی و خدمات تخصصی به جامعه و پاسخگویی اجتماعی
دانشگاه‌های ایران تا مدت‌ها دانشگاه‌های نسل نخست آموزشی بودند از حدود دهه ۹۰ با گسترش تحصیلات تکمیلی و براثر رشد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در جهان و نفوذ آن در ایران، روندی از افزایش مقالات علمی در دانشگاه‌ها آغاز شد. اما مقاله علمی فقط یکی از نشانگرهای نسل دوم دانشگاه پژوهشی است. هنوز دانشگاه‌های ما از حیث ارتباط با صنعت و جهان کار و دنیای خدمات و پاسخگویی اجتماعی چندان به موفقیت‌های چشمگیر نرسیده‌اند و مطمئناً با نسل سوم دانشگاه‌های کارآفرین نیز فاصله بسیار دارند. مشارکت‌کنندگان در تحقیق تجربه‌ی چندان موفقیت‌آمیزی از این موضوع نداشتند: «کیفیت پایین هست تو حوزه پژوهش زیاد فعال نیستند»، «دانشگاه با صنعت ارتباط ندارد، بین دانشگاه و صنعت هیچ پلی نیست. اگر پایان‌نامه خروجی داشته باشه همان یه کتاب یا مقاله است»، «الان دانشگاه‌ها بیشتر تو دور تولید مقالات افتاده‌اند اما مهم این است که از این مسیر دانشگاه‌ها بتوانند فناوری‌های موردنیاز اجتماعی را نیز تولید بکنند و اختراعات به درد بخوری بشود و منشأ خیر و برکت برای جامعه بشود».

جدول ۳. خلاصه‌ای از تحلیل مضمین و مقولات مصاحبه‌ها

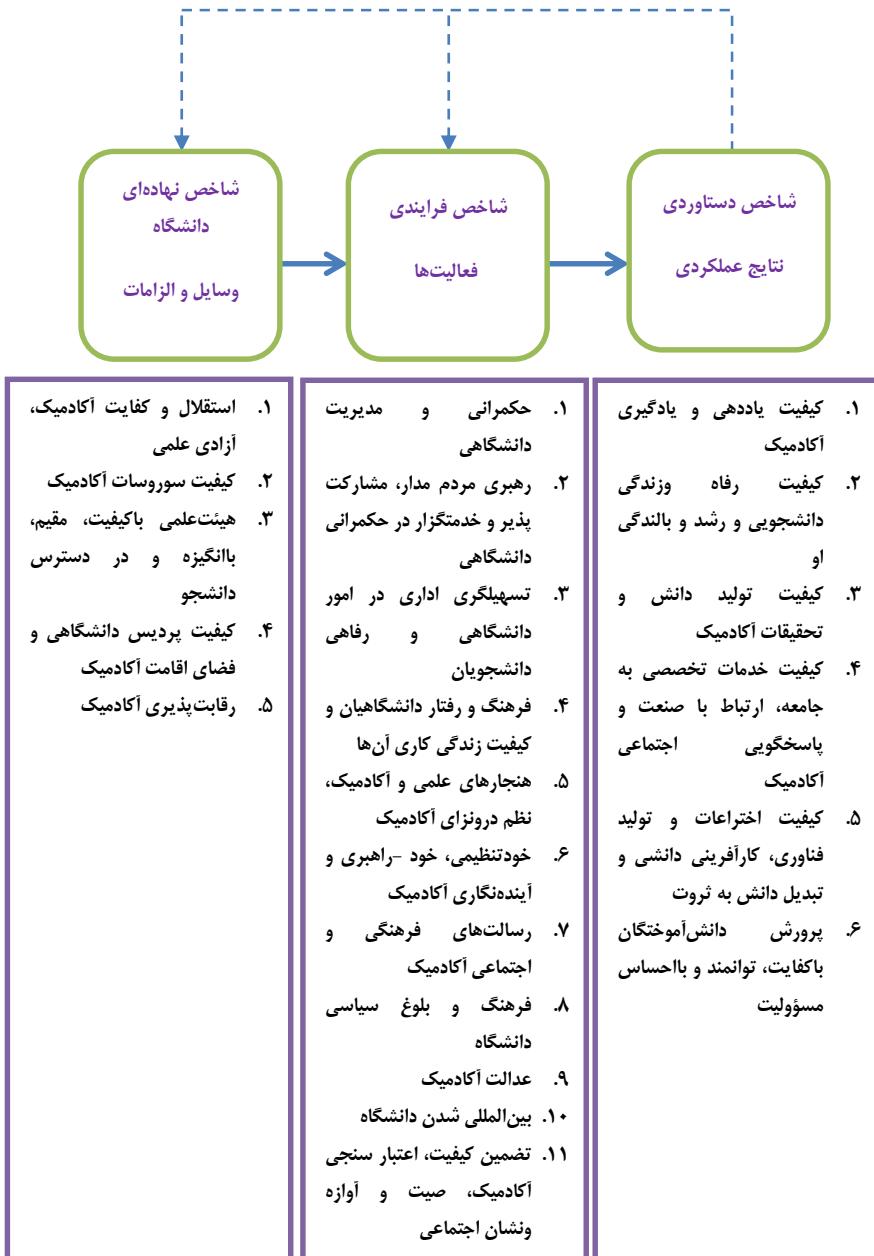
ردیف	مفهوم	مقولات	مضامین	گزاره‌ها
۱	فرهنگ و بلوغ سیاسی دانشگاه	آگاهی و نشاط سیاسی، تفکر انقادی و روشگری دانشگاه بدون سیاست زدگی یا سیاست‌زدایی	۱-۱، ۱۱-۴، ۱۲-۶، ۱۳-۶، ۹-۹، ۹-۸، ۸-۷	
۲	هنچارهای علمی و نظم درونزای آکادمیک	اجتماعی کردن علمی دانشجویان، تعلق خاطر به رشته، درونی شدن هنچارهای آکادمیک، نظم‌پذیری درونزای دانشگاهی در کلاس‌ها و تحقیقات پایان‌نامه و داوری و دفاع، رعایت حقوق مالکیت فکری نویستگان و استاد صحیح به مقالات و کتاب‌های دیگران،	۱-۱۲، ۸-۴، ۷-۱۳، ۶-۱۳، ۵-۱۴، ۴-۱۴، ۹-۱۳، ۲-۱۹	
۳	فرهنگ و رفتار دانشگاهیان و کیفیت زندگی کاری آن‌ها	دوری از جرگه گرامی، اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه، جو گروههای دانشگاهی، تعاملات درون و بیرون دانشگاهی و اجتماعی استادان	۱۰، ۱۵-۵، ۱۴-۵، ۳-۴، ۱-۱، ۱-۲۱، ۸-۱۴، ۷	
۴	رقابت‌پذیری آکادمیک	تنوع خلاق فرهنگ‌های رشته‌ای رقابت میان رشته‌ها و دانشکده‌ها در دانشگاه، رقابت میان دانشگاهی در سطوح ملی و بین‌المللی	۱-۱۱، ۱-۴، ۲-۱	
۵	کیفیت زندگی دانشجویی و رشد و بالندگی او	جنب‌وجوش علمی و تحصیلی، رفاه، تغذیه، سیستم‌های حمایت از دانشجو، سلامت تن و ذهن و روان دانشجو، تربیت بدنی، شورونشاط دانشگویی، تفکر انقادی، تنوع و آزادی‌های دیدگاه‌ها و سبک‌های زندگی دانشجویان، نرخ مشارکت و تنوع نهادهای دانشجویی	۱-۱۲-۱۶، ۲-۱، ۱۵-۱، ۵-۱، ۱۳-۱۱، ۳-۱۰، ۳-۳، ۱۴-۷، ۲-۵، ۱۱-۵، ۹-۵، ۷-۵، ۱۲-۴، ۷-۶، ۱۰-۶، ۸-۶، ۱۳-۱۲، ۵، ۹-۸، ۶-۸، ۲-۸، ۵-۷، ۱۲، ۷-۱۰، ۱۱-۹، ۱۰-۹، ۱۲-۸، ۱۲-۱۳، ۸-۱۲، ۹-۱۱، ۶-۱۱، -۱۴، ۱۲-۱۴، ۱۰-۱۴، ۳-۱۴، ۱-۱۸، ۱-۱۷، ۱۴-۱۴، ۱۳	
۶	عدالت آکادمیک	برکار از تبعیض در کارکردها و خدمات(تدريس، ارزشیابی، فرسته‌های آموزشی و پژوهشی و رفاهی	۳-۵، ۳-۷، ۴-۵، ۳-۲، ۶-۱، ۴-۱۰، ۵-۹، ۴-۸، ۲-۷، ۴-۶، ۷-۱۲، ۴-۱۱	
۷	کیفیت سوروسات آکادمیک	نورم‌های کالبدی و فنی مثل زیرساخت‌های کمک‌آموزشی، کتابخانه، منابع و اطلاعات علمی کافی و روزآمد، آرشیو کارآمد علمی، تجهیزات آزمایشگاهی، اینترنت و فناوری اطلاعات و ارتباطات و محطه‌های نوین چندرسانه‌ای	۸-۲، ۷-۱۸، ۲-۱، ۸-۷، ۱-۱، -۶، ۹-۶، ۱۰-۵، ۱۰-۴، ۹-۴، ۷-۱۱، ۶-۱۰، ۷-۸، ۷-۷، ۱۱، ۱۱-۱۴، ۹-۱۴، ۴-۱۳	
۸	حکمرانی و مدیریت دانشگاهی	تفکر برنامه‌ریزی استراتژیک یکپارچگی آکادمیک و برکار بودن از گروههای	-۵، ۱۶-۵، ۴-۱۰، ۴-۱، ۹-۱، ۴-۱، ۱۱-۸، ۱۴-۶، ۱۸	

-	فشار و ذی نفوذ	خودتنظیمی، خود - راهبری و آینده‌نگاری آکادمیک
-۴،۲-۳،۲-۱۲،۲-۱۱،۱-۱ -۵،۷-۴،۴-۶،۴-۱۱،۳-۱۰،۲ ،۵-۱۰،۷-۹،۵-۸،۷-۶،۵ ،۵-۱۱	خدمتگزاری و روان‌سازی امور، مقررات زدنی، حذف فرایندها و رویه‌های زائد و خسته‌کننده و مالل آور	تسهیلگری اداری در امور دانشگاهی و رفاهی دانشجویان ۹
-۱۹،۲-۲،۲-۲،۱۷-۱۲،۱-۱ ،۲-۵،۱۲-۳،۴-۳-۳-۲۰،۳ ،۷-۶،۳-۶،۲-۶،۲۲-۵،۷-۵ -۹،۳-۸،۱-۷،۱۹-۶،۱۸-۶ ،۹-۱۰،۳-۱۰،۲-۱۰،۷-۹،۳ ،۲-۱۲،۱۰-۱۱،۳-۱۱،۲-۱۱ ،۳-۱۲	سبک رهبری گزارش ده، شفاف، پاسخگو، تقدیمیز و نویلبخش، ارتباط رضایت‌بخش کارکنان و مدیران با دانشجویان	رهبری مردم مدار، مشارکت پذیر و خدمتگزار در حکمرانی دانشگاهی ۱۰
،۱۵-۶،۵-۶،۸-۶،۳-۱۳،۲-۱ ،۱۰-۱۳،۱۳-۹،۸-۹،۴-۷ ،۷-۱۵،۳-۱۵،۲-۱۴	ارائه طرح درس، کیفیت و رغبت افزایی و اثربخشی کلاس‌های درس، برکنار ماندن از فرمالیسم آموزشی، آموختن چگونه یادگرفتن، همگامی آموزش و پژوهش، توسعه اجتماعات یادگیری دانشجویان، پرهیز از حافظه گرانی، توسعه خلاقیت و مهارت‌های دانشی	کیفیت یاددهی و یادگیری آکادمیک ۱۱
-۴،۵،۵-۴،۴-۵،۴-۱۳،۳-۱ ،۵-۱۲،۴-۹،۱-۸،۱۷-۵ ،۱۱-۱۳،۳-۱۳،۲-۱۳،۶-۱۲ ،۱۵-۱۰	سطح علمی و بروز بودن استادان، تعداد کافی با توزیع جنسی و مراتب علمی، قابل دسترس بودن برای دانشجو، علاقه و تعهد به حرفة آموزشگری و پژوهشگری، آراستگی و اخلاق استادان	هیئت‌علمی باکیفیت، مقام، بالگذره و در دسترس دانشجو ۱۲
،۱۹-۴،۱۳-۴،۱۳-۲،۱۵-۱ ،۱۲-۹،۸-۸،۱۶-۵،۱۲-۵ ،۱-۱۳،۸-۱۱	معماری فضای زیباشتاخنی پردازی، سردر دانشگاه، استانداردهای محیط خواهگاهی و دانشگاهی	کیفیت پردازی دانشگاهی و فضای اقامت آکادمیک ۱۳
،۹-۸،۱۲-۶،۱۳-۴،۱۹-۱ ،۲-۱۷،۵-۱۳،۹-۹،۱۰-۸	جنوب‌جوش فرهنگی و اجتماعی دانشجویان، رشد اجتماعی و فرهنگی دانشجو، نقد و روشگری اجتماعی دانشگاه، مشارکت و تنوع نهادهای دانشجویی	رسالت‌های فرهنگی و اجتماعی آکادمیک ۱۴
،۱۱-۱۲،۱۶-۶،۲۰-۱	انتخابی بودن رئیس دانشگاه، شایسته گزینی حرfe‌ای برای مدیریت‌ها، آزادی علمی استاد و دانشجو،	استقلال و کفایت آکادمیک، آزادی علمی ۱۵
،۸-۱۳،۶-۷،۳-۷،۱۷-۲ ،۱۴-۱۵،۶-۱۴	دروس عمومی و پایه و اختصاصی موردنیاز، برنامه درسی تحویل‌پذیر و روزآمد و مناسب با تقاضاهای نوپایید در جامعه و بازار کار، وجود	برنامه درسی دانشگاهی ۱۶

آموزش‌های اختیاری و آزاد فوق برنامه		
۱۵-۱۴، ۱-۱۰، ۲۱-۵، ۱۸-۲ ۱۳-۱۲، ۱۷-۶، ۱۸-۴	تولید مقالات و کتب موردنیاز برای جامعه پاسخگویی اجتماعی، رابطه با صنعت و جهان کار، رابطه دانشگاه با جامعه تولید فناوری و ثروت	۱۷ کیفیت تولید دانش و تحقیقات آکادمیک کیفیت خدمات تخصصی به جامعه، ارتباط با صنعت و پاسخگویی اجتماعی آکادمیک کیفیت اختزاعات و تولید فناوری، کارآفرینی دانشی و تبدیل دانش به ثروت
-۵، ۱۷-۴، ۴-۳، ۱-۳ ۱-۱۳، ۱-۹، ۱۹-۵، ۲-۱، ۱ ۱۹، ۱۶-۱۵	نظام اعتبار سنجی، ارزیابی درونی و بیرونی، پیمایش‌های نظرسنجی از دانشجو و دانش آموخته، رتبه‌بندی، حسن شهرت، سرآمدی و تعالی کیفیت دانشگاه	۱۸ نظام تضمین کیفیت، اعتبار سنجی آکادمیک، صیت و آوازه و نشان اجتماعی
۱۰-۱۰، ۹-۷، ۲۰-۵، ۹-۳ ۱۱-۱۱	آمده‌سازی دانش آموختگان برای تحرك اجتماعی و شغل پایی و کارآفرینی، فرست سازی و بخت آوری برای دانش آموختگان	۱۹ پژوهش دانش آموختگان باکفایت، توانمند و مسؤولیت شناس
۲۰، ۲۳، ۱۳-۱۵، ۱۳-۱۲	همکاری‌های علمی بین‌الملل، نگاه جهانی - محلی به فعالیت‌های دانشی، استقرار استانداردهای قابل مقایسه جهانی در دانشگاه، آموزش به یک‌زبان بین‌المللی، اصلاح فرایندها، تبادل دانشجو و استاد، تفاهم‌نامه‌ها، تنوع پذیری فرهنگی، زندگی دانشگاهی چند فرهنگی و ...	۲۰ بین‌المللی شدن دانشگاه

ب. مقولات اصلی و گزاره‌های فرضیه‌ای برآمده از تحقیق

رویکرد پدیدار شناختی به ما کمک کرد توصیفی تاحدامکان فریه درباره‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی دانشجویی درباره‌ی دانشگاه فراهم بیاوریم. ۱۸ مشخصه از عناصر تشکیل دهنده ادراک زیسته و تجربه‌شده‌ی دانشجویان درباره‌ی دانشگاه به دست آمد که به سه گروه شاخص اصلی قابل تقلیل‌اند: شاخص نهاده‌ای دانشگاه مانند چهار مشخصه (۳ و ۵ و ۱۲ و ۱۳)، شاخص فرایندی دانشگاه مانند نه مشخصه (۱ و ۲ و ۴ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۵) و نهایتاً شاخص دستاوردی مثل پنج مشخصه (۱۱ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸). (شکل ۱)



شكل ۱. مدل برآمده از تحقیق برای دانشگاه مطلوب در تجربه ادراک شده دانشجویان

افزون بر آن همان‌گونه که در شکل ملاحظه می‌شود از طریق بسامدهای تأکیدات دانشجویان مشارکت‌کننده در مطالعه، تعدادی گزاره فرضیه‌ای نیز به دست امده است که می‌توان آن‌ها را به روش پیمایش آزمون کرد؛ سه فرضیه اصلی عبارت‌اند از: ۱. بین داشته‌های نهادین دانشگاه با نحوه فعالیت‌هاییش رابطه جهت‌داری داشت این مطابق آن سخن شیخ بهایی است که ضرب المثل ایرانی شده است و می‌گوید: از کوزه همان برون تراود که در اوست. ۲. میان فرایندها و فعالیت‌ها در دانشگاه با محصولات و بروندادها و پیامدهای آن رابطه جهت‌داری داشت. این نیز مطابق ضرب المثل دیگر ایرانی برگرفته از غزلی از حافظ است: هرکسی آن درواد عاقبت کار که کشت. ۳. بین مشکلات در داشته‌های دانشگاه با مشکلات در دستاوردهای آن رابطه جهت‌داری داشت. این هم در ضرب المثلی دیگر برگرفته از شعر فردوسی آمده است: که آب روان از بُنه تیره بود.

برخی از فرضیه‌های دیگر برآمده از تحقیق در ذیل این سه فرضیه اصلی عبارت‌اند از: ۴. وضع حکمرانی دانشگاه با استقلال آکادمیک و آزادی علمی ارتباط دارد. ۵. میان کیفیت هیئت‌علمی باکیفیت یاددهی و یادگیری آکادمیک رابطه هست. ۶. میان کیفیت هیئت‌علمی و کیفیت دانش‌آموختگان رابطه هست. ۷. بین کیفیت جو پرديس باکیفیت یاددهی و یادگیری رابطه هست. ۸. بین کیفیت جو پرديس باکیفیت تولید دانش رابطه هست. ۹. بین کیفیت جو پرديس باکیفیت دانش‌آموختگان رابطه هست. ۱۰. بین کیفیت زندگی دانشجویی و رشد و بالندگی او باکیفیت یاددهی و یادگیری رابطه هست. ۱۱. بین کیفیت زندگی دانشجویی و رشد و بالندگی او باکیفیت دانش‌آموختگان رابطه هست. ۱۲. میان فرهنگ دانشگاه و کیفیت زندگی کاری هیئت‌علمی باکیفیت یاددهی و یادگیری رابطه هست. ۱۳. میان فرهنگ دانشگاه و کیفیت زندگی کاری هیئت‌علمی باکیفیت تولید دانش رابطه هست. ۱۴. میان فرهنگ دانشگاه و کیفیت زندگی کاری هیئت‌علمی باکیفیت دانش‌آموختگان رابطه هست.

بحث و نتیجه‌گیری

معانی و ادراکات موجود در نزد دانشجویان در باب دانشگاه مهم است. چون به نحوه درس خواندن آن‌ها شکل می‌بخشد و سمت‌سو می‌دهد. سنت روش‌شناسخی پدیدارشناسی دغدغه آن را دارد که به خود امور و بهسوی خود آدم‌ها نزدیک شود. مدت‌هاست عملکرد دانشگاه‌ها و کیفیت یاددهی و یادگیری و نتایج و تأثیرات اجتماعی دانشگاه در ایران مناقشه آمیز شده است. به همین منظور محقق دست بالا گرفت و یکی از باسابقه‌ترین دانشگاه‌های بزرگ و

دولتی و جامع را در پایتخت برای مطالعه موردي انتخاب کرد تا ببیند دانشجویان چه حسی از بودن در آن دارند و تجربه‌های زیسته آن‌ها در دانشگاه از چه قرار است. از پیمایش با پرسشنامه‌های پیش‌ساخته در محدوده یک چارچوب نظری نیز استفاده نشد چون با این کار دانشجویان نسبت به گزینه‌های از پیش آماده‌ی ما عکس العمل نشان می‌دهند و نمی‌توانیم به عمق ادراکات و احساسات و معانی و تجارب زیسته آن‌ها نفوذ کنیم. برای همین بود که روش پدیدارشناسی تفسیری انتخاب شد. نتیجه‌ای که به دست آمد این بود:

یک. تصویر اجتماعی دانشگاه در دل و دیده‌ی دانشجویان مخدوش و مناقشه آمیز شده است. دانشجویان مشارکت‌کننده در تحقیق حس چندان مثبتی از بودن در دانشگاه نداشتند. وقتی در ۱. دانشگاه باسابقه و دولتی و درجه اول چنین است احتمالاً درباره‌ی دانشگاه‌های دیگر نیز نیاز به مطالعات جدی داریم.

۲. دانشجویان مشارکت‌کننده در تحقیق به دانشگاه نیامده‌اند فقط درس بخوانند بلکه در آنجا می‌خواهند زندگی نیز بکنند. یعنی معلوم است که فقط ذهن‌هایی همچون الواح سفید و ظروف خالی نیستند تا از معلومات پر بشوند. آن‌ها به دانشگاه آمده‌اند اما نه فقط با اذهان بلکه با بدن‌ها و انواع نیازها و احساس‌ها و شور و شوق زندگی و بازی و شادی و هویت و مشارکت و تشکیل اجتماعات و سایر آمال و آرزوهایشان. دانشگاه را نه صرفاً برای تحصیل بلکه به‌متابه یک کلوب اجتماعی نیز می‌خواهند. این انتظاری است که گویا کمتر برآورده می‌شود. یکی از گزاره‌های تکراری حاکی از این بود که دانشجویان کارشناسی در بدرو ورود کم‌وپیش شوری در سردارند اما در ترم‌های بعدی از آن کاسته می‌شود. خطای بزرگی خواهد بود که دانشگاه ایرانی فکر کند فقط وظیفه دارد تخصصی را به دانشجویان بفروشد، آموزش بدهد، امتحان بکند و تصدیق صادر بکند. مشارکت‌کنندگان در این مطالعه از دانشگاه علاوه بر انتقال دانش، انتظارات دیگری دارند: معنا، رابطه و هویت و مانند آن. آیا این انتظار برآورده می‌شود؟ تحقیق کیفی توانایی تعیین یک حکم به پنهانی از قلمرو یا جامعه ندارد اما می‌تواند از عمق احساس‌ها و ادراکات خبری بدهد. دانشجویانی در مطالعه ما مشارکت کردند که نه تنها زندگی در دانشگاه، زیاد برایشان خوشایند و رضایت‌بخش نیست، بلکه با انواع ابهامات و نگرانی‌ها نیز همراه است. بیکاری یا فقدان کار مناسب و مرتبط در بعد از فارغ‌التحصیلی فقط یکی از این نگرانی‌های جدی است.

۳. انواع گرفتاری‌های مدیریتی و مالی و سیاسی مانع از این می‌شود که دانشگاه ایرانی موردمطالعه ما در پرورش دانشجویان توفیق لازم به دست بیاورد. کارهای فرهنگی بسیار پژوهشی و رسمی در دانشگاه در جریان است اما بیشتر ماهیت دولتی دارند و قادر تنوع هستند. جو و فضای دانشگاه، نیازهای متنوع جوانی و فرهنگی و اجتماعی و فراغتی شرکت‌کنندگان در این مطالعه را تأمین نمی‌کند و قادر نفوذ لازم برای توسعه شایستگی‌های کانونی و اجتماعی و مهارت‌های زندگی و کیفیت زندگی دانشجوست.

۴. به نظر می‌رسد فرهنگ شفاهی و چهره به چهره و عاطفی برای دانشجوی ایرانی همچنان مهم است. ارتباطات انسانی و مردم مداری مدیران جزو بارزترین حساسیت‌های دانشجویان مشارکت‌کننده در این تحقیق دیده شد. روابط خشک بوروکراتیک برای آن‌ها معنادار نیست. حتی اگر رئیسی در چارچوب قوانین رسمی کار بکند خرسندي کافی به آن‌ها نمی‌دهد. می‌خواهند رئیس دانشگاه را ببینند. می‌خواهند او با آن‌ها بنشینند و در اجتماعاتشان به آن‌ها از نحوه کار دانشگاه صحبت بکند و به حرف‌هایشان گوش دهد. استادی که با سواد باشد و خوب درس بدهد از نظر دانشجویان لازم است اما کافی نیست چون آن‌ها بیشتر استادانی می‌خواهند که با آن‌ها ارتباطات انسانی گرم‌تری برقرار کنند.

۵. گویا فضای دانشجویی ایران بر حسب نتایج این مورد کاوی، در حال عبور از دوره‌ی نخبه‌گرایی آکادمیک و حس استاد و شاگردی به معنای سنتی کلمه است. احتمالاً از یکسو دنیای ارتباطات و انفجار اطلاعات و از سوی دیگر افت کیفیت در دانشگاه‌های کشور و سیطره کمیت بران و خصوصاً وضعیت آنومیک و دفورمه جامعه کنونی ایران سبب شده است که آن نگاههای آرمانی دانشجویان به استادان روزبه‌روز در حال کاستی هستند. گذشته از این دانشجویان مشارکت‌کننده در تحقیق صحبت از رفتارهایی مثل جرگه گرایی و باندباری و کشاکش‌های شخصی و حسادت و مانند آن در طیفی از استادان می‌کنند.

۶. در مقایسه با سازمان‌های پرزرق‌وبرق و با امکانات مدرن فراوان که سال‌هast در ایران توسط نهادهای مختلف دولتی و شبهدولتی اینجاوآنجا به وجود می‌آید دانشگاه‌ها به سازمان‌های فقیر و مکان تهیستان بدل شده‌اند که مشارکت‌کنندگان در تحقیق به شکل تحریرآمیزی از آن سخن می‌گویند: در کتابخانه‌اش فضا و صندلی کافی برای نشستن پست،

کتاب انگلیسی نیست، اینترنتش مرتب قطع و وصل می‌شود، در آزمایشگاهش و سایل چندانی نیست و....

۷. هنوز یک تیپ ایده آلی از دانشگاه در چشم و دل دانشجویان ایرانی وجود دارد و ان دانشگاهی با استقلال آکادمیک است که رئیش را خود استادان دانشگاه انتخاب می‌کنند. دانشگاه با سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی دیگر تفاوت ماهوی دارد و شایسته نیست جزوی از ابواب جمعی بوروکراسی دولت به حساب بیاید. مشارکت‌کنندگان در تحقیق از این جهت نیز احساس می‌کنند دانشگاهی که در آن تحصیل می‌کنند از چنین شأن و استقلالی برخوردار نیست و مطمئناً این امر در رفتار تحصیلی آن‌ها تأثیر نامطلوب می‌گذارد.

۸. اگر بگوییم که ایرانیان به تعییض بیش از بسیاری از جوامع دیگر حساس‌اند، به بیراهه نرفته‌ایم. حس فاصله قدرت برای ایرانی خصوصاً جوانان ایرانی و بالاخص دانشجویان ایرانی آزاردهنده است. آستانه تحمل در ایران نسبت به تعییض پایین است. شاید در قبال نداشتن صبر کنند ولی نابرابری و تعییض به رگ حساسیت آن‌ها می‌زند. اگر تعییض و بی عدالتی از نظر ایرانی‌ها تا این حد به چشم زننده و زجر دهنده است پس وای به روزی که دانشجو آن را در رفتار استاد خود ببیند. استادان تا نوعی نفوذ اخلاقی و معنایی بر دانشجو نداشته باشند نمی‌توانند چنان‌که بایدوشاید تأثیرات لازم در آن‌ها بر جا بگذارند. آیا واقعاً استادان تعییض قائل می‌شوند؟ معلوم نیست. اما مهم حس تعییض است که در این مطالعه بهوضوح در دانشجویان دیده می‌شود. قدر مسلم این است که دانشگاه ایرانی در مورد مطالعه شده ما از ایجاد اعتماد و رضایت تعییم‌یافته در میان نسل جوان دانشجویی درمانده است.

۹. همین طور تحقیقاتی نشان داده است که ایرانی‌ها نوعاً مردمانی عاطفی هستند. در زبان آن‌ها گزاره‌های عاطفی و گرانبار از احساس و هیجان فراوانی دارد (مؤید حکمت، ۱۳۹۰: ۷۱-۸۴). رفاقتی‌اند و انتظار دارند رفقایشان هواي آن‌ها را داشته باشد. روابط گرم و غیررسمی برای آن‌ها مهم‌تر از روابط سرد است، چه بسا رفتاری هرچند هم قانونی باشد به سبب سرد بودن و خشک بودن و بی ملاحظه جنبه‌های عاطفی می‌تواند آن‌ها را برنجاند (فراستخواه، ۱۳۹۴)، به همین جهت است که مقررات خشک حداکثری و روال‌های بوروکراتیک دانشگاه در ادراک زیسته دانشجویان بازتاب بسیار ناراحت‌کننده داشته است.

۱۰. دروس عمومی و اختیاری و آزاد در همه دانشگاه‌های دنیا از جمله‌ی سازوکارهای خوب و مؤثر پرورش انواع شایستگی‌های کانونی و غیرتخصصی مثل تفکر انتقادی، فهم فرهنگی، ارتباطات مؤثر انسانی، توسعه مهارت‌های کیفیت زندگی، حل مسئله، قدرت برنامه‌ریزی و سازماندهی فعالیت‌ها، سود فناوری اطلاعات و ارتباطات و سایر سعاده‌های لازم برای ظهور و پرورش تنوعات هوش‌های چندگانه انسانی و خلاقیت‌های جوانی، آگاهی‌های تاریخی و اجتماعی، توسعه آشنایی با زبان و ادبیات ملی و یا زبانهای مهم بین‌المللی و مانند آن است. اما متأسفانه در دانشگاه‌های ایران براثر دخالت ایدئولوژی دولت در این برنامه‌ها، ضعف نیازسنجی، ضعف برنامه‌ریزی یا نحوه اجرا به نقض غرض و نتیجه معکوس انجامیده است. مشارکت‌کنندگان در تحقیق از بیشتر این درس‌ها زده‌اند. پدیده بیگانگی دانشجو با برنامه‌های درسی دانشگاه می‌تواند اثربخشی تحصیلات دانشگاهی را در ایران مخدوش بکند.

پرسشنامه محقق ساخته‌ای بر مبنای این مطالعه کیفی واکنشافی به شرح زیر ساخته شد که می‌تواند در تحقیقات دانشگاهی برای پیمایش‌های دانشجویی به کار برود:

دانشجوی عزیز:

با سلام و آرزوی موفقیت، پرسشنامه حاضر به منظور "بررسی دیدگاه و تجربه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه" تقدیم می‌شود. در صورت تمایل می‌توانید با ذکر ایمیل خود در انتهای پرسشنامه از نتایج و یافته‌های این تحقیق مطلع شوید. همچنین، می‌توانید در انتهای پرسشنامه نظرها و پیشنهادهای خود را برای مجری طرح ارسال نمایید. پیش‌اپیش از همکاری شما سپاسگزاریم.

با آرزوی موفقیت

۱. مشخصات فردی و وضعیت تحصیلی:

۱. جنسیت: (۱) مرد (۲) زن <input type="checkbox"/>
۲. سن: ساله
۳. وضعیت تأهل: (۱) مجرد (۲) متأهل (۳) سایر <input type="checkbox"/>
۴. وضعیت اشتغال: (۱) شاغل (۲) بیکار <input type="checkbox"/>
۵. دانشکده محل تحصیل؟
۶. رشته تحصیلی:
۷. دوره یا مقطع تحصیلی: (۱) کارشناسی (۲) کارشناسی ارشد (۳) دکتری <input type="checkbox"/>
۸. ترم تحصیلی؟
۹. معدل کل ترم قبل؟
۱۰. وضعیت تابعیت کشوری:
۱۰,۱.. (۱) ایرانی (۲) خارجی (۳) از کدام کشور
۱۰,۲.. محل سکونت خانواده: تهران (سایر شهرها ((لطفاً اسم شهرستان را بنویسید))
۱۰,۳.. ساکن در خوابگاه دانشگاه هستید: (بلی) (خیر)
۱۱. آیا تجربه تحصیل در دانشگاه‌های دیگر قبل از این دانشگاه را داردید؟ (بلی: (اسم دانشگاه:)) (خیر)
۱۲. در زمان تکمیل پرسشنامه چند مدت است در این دانشگاه مشغول به تحصیل هستید؟

تحصیل:

۱. گویه‌های زیر درباره‌ی کیفیت دانشگاه محل تحصیل شما و امکانات آن است، هریک از جملات تا چه حدی بازگو کننده دیدگاه‌های شماست؟

ردیف	گویه‌ها	مؤلم	نا موقلم	نا موقلم و مخالف	میان موافق و مخالف	مردد هستم	نماینده
۱	این دانشگاه از استقلال کامل برخوردار است و تصمیمات آن در خود دانشگاه گرفته می‌شود نه در بیرون دانشگاه.						
۲	دوست دارم که رئیس دانشگاهم توسط خود استادان دانشگاه انتخاب بشود.						
۳	رئیس دانشکده ما و معاونانش برمبنای صلاحیت تخصصی انتخاب و منصوب می‌شود.						
۴	در این دانشگاه آزادی آکادمیک در بیان مطالب درسی در کلام و در گزارش نتایج تحقیق برای دانشگاهیان وجود دارد.						
۵	کتابخانه‌ی دانشگاه منابع و کتاب‌ها و مجلات کافی به زبان فارسی و خارجی برای مطالعه استاد و دانشجو را دارد.						
۶	آرشیو پایان‌نامه‌ها و مدارک علمی در این دانشگاه بسیار منظم و کارآمد و در دسترس است						
۷	در شش ماه گذشته سرعت اینترنت در این دانشگاه و مقدار حجم آن برای						

					تحقیقات کافی است و قطعه وصل به شکلی که مانع از کار پشود ندارد.	
					در رشته ما آزمایشگاه‌های دانشگاه ما از امکانات و وسائل و تجهیزات بروز و کافی برخوردار است.	۸
					اعضای هیئت‌علمی رشته ما افرادی برخوردار از دانش و تخصص کافی و روزآمد هستند.	۹
					تعداد اعضای هیئت‌علمی در دروس مربوط به رشته ما کافی است هر کدام در حوزه‌ی تخصصی خود تدریس می‌کنند و کمبودی از نظر گذراندن به موقع دروس یا پایان‌نامه‌هایمان با آن‌ها نداریم.	۱۰
					استادان ما غالب اوقات در دانشکده حضور دارند و در دسترس ما هستند.	۱۱
					اعضای هیئت‌علمی شخصیتی دوست‌داشتنی دارند و از رفتار و منش آن‌ها مثل دانش‌شان بسیار می‌آموزیم.	۱۲
					دانشگاه ما از محیط جذاب، معماری و نمادهای دانشگاهی جالبی برخوردار است.	۱۳
					محیط خوابگاهی ما مناسب است.	۱۴
					سطح علمی رشته تحصیلی ما در مقایسه با سایر دانشگاه‌های ایران بالاست.	۱۵
					اعتبار دانشگاه ما در رشته‌ای که من درس می‌خوانم در حدی است که به راحتی	۱۶

					می توان برای ادامه تحصیل، جذب دانشگاه های معتبر جهان شد.	
--	--	--	--	--	---	--

❖ اگر توضیحی بیشتر درباره هریک از موارد فوق لازم می بینید لطفاً در اینجا بیان کنید:

۲. گویه های زیر درباره کیفیت فرایندها و فعالیت های دانشگاه محل تحصیل شماست، هریک از جملات تا چه حدی بازگو کننده دیدگاه های شماست؟

ردیف	گویه ها	موافعه	معارضه	تأثیرگذار	نماینده	نماینده
۱	مدیریت در این دانشگاه بر مبنای اصول حرفه ای و تخصصی و به صورت مستقل عمل می کند و از مداخلات گروه های فشار و ذی نفوذ تأثیر نمی پذیرد.					
۲	مدیریت دانشگاه با مشارکت اعضای هیئت علمی و کارکنان و با تعاملات لازم، این دانشگاه را به خوبی اداره می کند.					
۳	مدیران این دانشگاه با تفکر برنامه ریزی استراتژیک و آینده نگر خود، دانشگاه را با موفقیت پیش می برنند.					
۴	مدیران دانشکده ما و دانشگاه به سبب ارتباط مثبت با دانشجویان و در دسترس دانشجویان بودن می کوشند جوابگوی مسائل ضروری آنها باشند.					
۵	مدیران دانشکده و دانشگاه ضمن اینکه از فعالیت خود به طور شفاف گزارش می دهند، از انتقادات دانشجویان نیز استقبال می کنند و به آنها ترتیب اثر هم					

					می‌دهند.	
					در این دانشگاه پیچ و خم‌های اداری زائد خسته‌کننده وجود ندارد و امور دانشجویی و آموزشی مطابق قوانین عادلانه و به صورت سهل و روان قابل پیگیری است.	۶
					در میان اعضای هیئت‌علمی دانشکده ما باندبازی و جرگه‌گرایی و کشاکش‌های مخرب مشاهده نمی‌شود.	۷
					اعضای هیئت‌علمی دانشکده ما با هم‌دیگر تعاملات و همکاری ثابت و سازنده دارند.	۸
					در گروه آموزشی مربوط به دوره تحصیلی من جو سالم و صمیمانه‌ای بین استادان وجود دارد.	۹
					به نظرم اعضای هیئت‌علمی دانشکده ما از هنجارها و اخلاقیات حرفه‌ای آکادمیک به خوبی تبعیت می‌کنند.	۱۰
					من رشته تحصیلی خود را دوست دارم و آن را به صورت هدفمند انتخاب کرده‌ام.	۱۱
					کارها در گروه آموزشی مربوط به رشته تحصیلی من بر مبنای ضوابط و هنجارهای علمی و آکادمیک وبدور از هر نوع جانب‌داری جریان پیدا می‌کنند.	۱۲

					کارهای مربوط به پایاننامه‌ها در گروه مطابق اصول و ضوابط علمی انجام می‌گیرد.	۱۳
					در رشتہ ما کار داوری پایاننامه‌ها و جلسات دفاع همه بر مبنای نظم مطلوب آکادمیک و هنجارهای دقیق علمی وبدور از هر ملاحظات و جانبداری‌های له یا علیه انجام می‌پذیرد.	۱۴
					آچه من در این دانشگاه دیده‌ام و آموخته‌ام این است که کارهای علمی همه به‌دوراز حب و بعض و جانبداری‌های سیاسی و مذهبی وطبق اصول و روش‌های علمی انجام می‌گیرد.	۱۵
					برنامه‌های درسی و واحدهای درسی پایه و تخصصی ما بر مبنای تحولات بروز علمی و نیازهای واقعی جامعه و مشاغل موجود در بازار کار تنظیم شده‌اند و گذراندن آن‌ها می‌تواند مفید و برای آینده ما به دردی‌خور باشد.	۱۶
					دروس عمومی برای ما مفید و لذت‌بخش هستند و با گذراندن آن‌ها می‌توانیم دانش و مهارت‌های خوبی به دست بیاوریم.	۱۷
					در دانشکده و دانشگاه ما درس‌ها و دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی اختیاری و آزاد برای موارد موردنیاز ما ارائه و برگزار می‌شود.	۱۸
					در میان دانشجویان این دانشگاه علاوه بر فعالیت‌های معمول درسی،	۱۹

					جنب و جوش فرهنگی و اجتماعی نیز به چشم می‌خورد.	
					در دانشگاه ما نهادهای داوطلبانه‌ی دانشجویی در قالب انجمن‌های متنوع و با آزادی، فعالیت‌های فوق برنامه و فرهنگی و اجتماعی ترتیب می‌دهند و علاقه‌مندان در آن شرکت می‌کنند.	۲۰
					دانشگاه ما فضایی تک‌بعدی فقط برای درس خواندن نیست بلکه در میان دانشجویان علاقه‌مند علاوه فعالیت تحصیلی، شورونشاط نقد و روشنگری اجتماعی و آرمان‌خواهی وجود دارد.	۲۱
					آزادی ابراز انواع دیدگاه‌های سیاسی برای دانشجویان وجود دارد.	۲۲
					استادان گروه آموزشی ما در رفتار با دانشجویان و کمک به آن‌ها و ارزشیابی درسی و نمره دادن، تبعیضی قاتل نمی‌شوند.	۲۳
					فرصت‌های مختلف درسی و پژوهشی و پایان‌نامه‌ای برای همه دانشجویان دانشکده ما مطابق قوانین به صورت عادلانه و برابر فراهم است.	۲۴
					دانشگاه و دانشکده ما با برخی دانشگاه‌های دنیا در سطح بین‌المللی همکاری‌ها و مبادلاتی مثل رفتوآمد و سخنرانی استادان و کارگاه‌ها و دوره‌های مشترک دارند.	۲۵

					برخی استادان معتبر خارجی در دانشکده و دانشگاه ما دوره‌های آموزشی و کارگاه ارائه می‌کنند.	۲۶
					امکان سفر مطالعاتی به دانشگاه‌های خارجی برای ما دانشجویان مطابق ضوابط وجود دارد.	۲۷
					تا آنجا که من می‌بینم مدیریت دانشکده و دانشگاه ما درباره عملکرد و کیفیت فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و خدماتی، بررسی‌های منظم و ارزیابی به عمل می‌آورد.	۲۸
					نظرخواهی‌هایی به طور منظم از ما دانشجویان و نیز از دانش‌آموختگان درباره وضعیت فعالیت‌های دانشگاه به عمل می‌آید و به نتایج آن ترتیب اثر داده می‌شود.	۲۹

* اگر توضیحی بیشتر درباره هریک از موارد فوق لازم می‌بینید لطفاً در اینجا بیان کنید:

۳. گویه‌های زیر درباره کیفیت دانشگاه محل تحصیل شما و نتایج و دستاوردهای آن است، هریک از جملات تا چه حدی بازگوکننده دیدگاه‌های شماست؟

ردیف	گویه	واعده	آنچه	تاریخی	میان موافق و مخالف	تأثیر محدود	مخالف
۱	بیشتر کلاس‌های درسی ما با بحث و مشارکت دانشجویان و حل مسئله و گفتگو همراه است فقط با سخنرانی استاد						

					برگزار نمی‌شود.	
					بیشتر کلاس‌های درسی ما به صورتی اجرا می‌شوند که به خلاقیت و تفکر ما دامن می‌زند و برای ما مهارت‌های دانشی به وجود می‌آورد.	۲
					تدریس بیشتر استادان ما در سطح بالای علم روز و به صورتی نافذ و اثربخش است و به درد آینده‌ی شغلی ما می‌خورد.	۳
					من از زندگی دانشجویی خود در این دانشگاه واقعاً لذت می‌برم. شور و شوقی درونزا با دوستانم در فضای دانشگاه داریم.	۴
					در دانشکده ما جنب و جوش علمی و فوق برنامه دانشجویی شاد و متنوع و لذت‌بخشی از متن ابتکارات خود دانشجویان برمی‌خیزد.	۵
					امور رفاهی دانشجو در این دانشگاه چه در غذاخوری دانشگاه و چه در خوابگاه رضایت‌بخش است.	۶
					حمایت‌های خوبی از سلامت و ورزش دانشجویان وجود دارد سالن‌ها و میدان‌های ورزشی و سایر امکانات دلگرم‌کننده است.	۷
					تا آنجا که من می‌بینم دانشجویان در این دانشگاه با هر فکر و عقیده می‌توانند در فوق برنامه‌ها شرکت و ابراز وجود و ابراز هویت بکنند.	۸

					تا آنجا که من می‌بینم هر دانشجویی در این دانشگاه می‌تواند سبک زندگی خود را داشته باشد و محدودیت‌های بی‌موردی وجود ندارد.	۹
					ما کتاب‌ها و مقالات زیادی از استادان دانشکده خودمان می‌بینیم که به زبان فارسی در حوزه‌ی تخصصی خود توسط ناشران معترض و نشریات علمی پژوهشی کشور به چاپ رسیده است و محل مراجعه‌ی دانشجویان و دانشگاهیان در سراسر کشور است.	۱۰
					تا آنجا که من دیده‌ام استادان دانشکده ما مقالات علمی زیادی به زبان انگلیسی در نشریات معترض بین‌المللی منتشر کرده‌اند.	۱۱
					استادان ما علاوه بر تدریس، تحقیقات مهمی نیز در دانشکده و دانشگاه انجام می‌دهند.	۱۲
					استادان ما دانشجویانشان را در تحقیقات خود شرکت می‌دهند و از این طریق توانایی‌های پژوهشی ما رشد و توسعه می‌کند.	۱۳
					بیشتر استادان ما در حوزه‌ی تخصصی خود یک صاحب‌نظر شناخته‌شده‌اند و به آراء و نظریات و آثار آن‌ها استناد می‌شود.	۱۴
					تا آنجا که من می‌دانم و شنیده یا خوانده‌ام، دانشکده ما با صنعت و با برخی سازمان‌های مرتبط بیرون دانشگاه، روابط و همکاری‌های خوبی دارد.	۱۵

					ما به سبب کارآموزی و سایر فرصت‌هایی که دانشگاه فراهم می‌کند با سازمان‌ها و نهادهای مختلف مربوط به رشته‌مان از نزدیک آشنا می‌شویم.	۱۶
					در حدی که مربوط به رشته من می‌شود به نظرم، آثار علمی استادان ما در حدی هستند که به درد جامعه بخورند و در مسیر تأمین نیازهای واقعی توسعه کشور باشند.	۱۷
					اصولاً دانشگاه ما تا جایی که من در زمینه رشته خودم اطلاع دارم با جامعه و جهان کسب‌وکار ارتباطات مداوم دارد و محل رفت‌وآمد و همکاری‌های خوبی است.	۱۸
					من شنیدم که اختراقات و محصولات و فناوری‌هایی زیر نظر استادان دانشکده ما تولید و ثبت شده است.	۱۹
					من احساس می‌کنم با درس خواندن در این دانشگاه آینده‌ی شغلی خوبی مرتبط با رشته تحصیلی‌ام خواهم داشت.	۲۰
					تا جایی که من می‌دانم فارغ‌التحصیلان این دانشگاه در رشته ما به گونه‌ای توانمند می‌شوند که می‌توانند جایی برای کار و فعالیت در رشته خود پیدا بکنند و آتیه‌ی خوبی داشته باشند.	۲۱
					تا آنجا که اطلاع دارم فارغ‌التحصیلان این دانشگاه در رشته ما معمولاً شانس خوبی برای قبولی در مقطع بالاتر در	۲۲

					دانشگاه‌های معتبر دارند.	
					من افراد زیادی را سراغ دارم که فارغ‌التحصیل این دانشگاه‌اند و الان هر کدام برای خود کسی هستند و در جاهای مختلف پیشرفتهای خوبی دارند.	۲۳
					آدم از درس خواندن در این دانشگاه هم معلومات عمومی خوب و مهارت‌های زندگی وهم اطلاعات و دانش تخصصی لازم را به دست می‌آورد و این‌ها واقعاً به درد ما خواهد خورد.	۲۴
					بیشتر کسانی که از اینجا فارغ‌التحصیل می‌شوند معمولاً افرادی خلاق و کارآفرین هستند و در جامعه به موفقیت‌های خوبی نائل آمدند.	۲۵

❖ اگر توضیحی بیشتر درباره هر یک از موارد فوق لازم می‌بینید لطفاً در اینجا بیان کنید:

❖ اگر علاقه‌مند به دریافت خلاصه‌ای از نتایج تحقیق حاضر هستید لطفاً در صورت تمایل نشانی ایمیلی برای ارسال آن در اینجا درج کنید:

.....
با تشکر از فرصتی که در اختیار این پژوهش قراردادید.

منابع

- برگر، پ. و لوگمان، ت. (ترجمه ۱۳۷۵). ساخت اجتماعی واقعیت. فریرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بیرون باوم، راپرت (ترجمه ۱۳۸۲). دانشگاه‌ها چگونه کار می‌کنند، سازمان علمی و رهبری آن از منظر سیبریتیک. ترجمه حمید رضا آرسته. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- دارتیگ، آندره (ترجمه ۱۳۷۳). پدیدارشناسی چیست؟ محمود نوالی، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- سروش، مصطفی (۱۳۹۳) عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه فردوسی مشهد). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، زیر نظر دکتر محبوبه عارفی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی.
- شمس، غلامرضا و معارف وند، زهراء (۱۳۹۳) کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان خارجی (مورد مطالعه: دانشگاه شهید بهشتی). همایش توسعه آموزش عالی فرامرزی: فرصت‌ها و چالش‌ها. انجمن آموزش عالی ایران. ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۳.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷). سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران. تهران: انتشارات آگاه.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۲). نگاهی به هشت دوره‌ی زندگی دانشجویی در ایران. اندیشه پویا شماره ۱۰ پاییز ۹۲.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۴). ما ایرانیان، زمینه کاوی تاریخی و اجتماعی خلقيات ايراني. تهران: نی.
- محمدی، امیر (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان تولید و مصرف نوشتار در بین دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علوم اجتماعی، دانشگاه خوارزمی.
- ناهید مؤید حکمت (۱۳۹۰). تحلیلی بر ساختار زبانی غالب در گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کتابی فارسی. زیا نشناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ۸۴-۷۱.
- هابرماس، یورگن (ترجمه ۱۳۸۴). نظریه کنش ارتباطی، ترجمه کمال پولادی، تهران، موسسه انتشاراتی روزنامه ایران، ۱۳۸۴.
- هوسرل، ادموند (ترجمه ۱۳۷۲). ایده پدیده‌شناسی. عبدالکریم رشیدیان، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۰) درآمدی به بررسی عملکرد سیستم‌های دانشگاهی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- Annamalai .Subashini and Muniandy .Balakrishnan. (2013). Reading Habit and Attitude among Malaysian Polytechnic Students. International Online Journal of Educational Sciences. 32-41.
- Arpan,L.M., Raney,A.A., & Zivnuska, S. (2003). A cognitive approach to understanding university image. Corporate Communication: An International Journal. 8(2), 97-113.
- Aspers,Patrik (۲۰۰۹)empirical Phenomenology: A Qualitative Research Approach,Indo-PacificJournal Of Phenomenology, Volume9,Edition, October,p 1-12.
- Furberg, Elin (2011)How do students' perceptions of their education change over time? Sweden: Umeå University, Umeå School of Business.
- Langdridge, Darren(2007)Phenomenological Psychology; Theory, Research and Method. UK: Pearson Education Limited,The Open University.
- Lizzio, A.;Wilson K. & Simons R. (2002). University Students' Perceptions of the Learning Environment and Academic Outcomes: implications for theory and practice. Studies in Higher Education Volume 27, No. 1, 2002, 27-52.
- Morey, A.I. (1971). Image and selection; An examination of the images of three university of California campuses. paper presented at the meeting of the California education research association, an Diago, Calif,April,29-30.
- Ramsden,Paul (2004) learning to teach in higher education. New York: Routledge, 2nd Edition. First published 2003.
- Streubert H,J and Carpenter D,R(۲۰۱۱) Qualitative Research in Nursing (Advancing the Humanistic Imperative). 5d edit, Philadelphia: Lippincott Williams&Wilkins.
- Struyven, K.; Dochy, F. and Janssens, S. (2005). Students' perceptions about evaluation and assessment in higher education: a review. Assessment & Evaluation in Higher Education Vol. 30, No. 4, August 2005, pp. 331–347.
- Xu, Hongjiang(2011). Students' perceptions of university education – USA vs. China. Research in Higher Education Journal, V10,1-10.